



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 14(2), 23-46

Received: 01.02.2025 Accepted: 15.04.2025

Research Paper

Rebellion against the University: A Qualitative Analysis of the Experience of Dissertation Ghostwriting in Iran

Reza Hemmati* 

Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran
r.hemati@ltr.ui.ac.ir

Maryam Baharlouyi

Post-graduate in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Science, Yazd university, Yazd, Iran
baharloueimaryam@yahoo.com

Introduction

Ghostwriting has emerged as an international underground industry over the past few decades, posing a significant threat to the quality and reputation of universities worldwide. In Iran, this issue has become increasingly concerning, particularly in recent years. Ghostwriting often referred to as contract cheating represents a form of academic misconduct that undermines the integrity and standards of higher education, as well as the credibility of academic institutions. Generally, ghostwriting involves the access, purchase, exchange, or trade of written work, where the completion—either in whole or in part—is provided to a third party. Research on this topic in Iran is limited and even fewer studies have focused specifically on ghostwriters themselves. Consequently, the primary aim of this research was to investigate the motivations behind participation in ghostwriting, its consequences, and the mechanisms that facilitate its formation and proliferation. In other words, this study sought to fill a critical research gap by exploring the motivations of ghostwriters involved in the preparation and compilation of student theses, as well as the contextual factors contributing to the emergence of this phenomenon.

Materials & Methods

This study employed a qualitative approach, utilizing purposive sampling to select participants. The sample consisted of 15 graduate students from master's and doctoral programs at various universities and higher education institutions in the country, all of whom engaged in writing theses for clients in exchange for a fee. Most participants were unemployed and worked as lecturers at different universities. Data were collected through in-person and online semi-structured interviews, which were analyzed using thematic analysis. The interviewer aimed to conduct the interviews in a safe, comfortable, and quiet environment to ensure the collection of significant information without distractions. Interviews began with general questions before progressing to more specific and relevant inquiries to elicit critical information. To facilitate deeper understanding,

exploratory questions, such as “Could you please elaborate?” and “Can you provide an example from your own experience?” were also included. Each interview lasted approximately 90 minutes.

Discussion of Results & Conclusion

The analyzed data revealed several significant motivations for ghostwriting. According to the findings, the primary incentive for college graduates to write dissertations for others was financial gain, which offered an avenue for income and financial independence. Financial pressures and the inability to secure employment could drive individuals to make choices that, while not morally justifiable, appeared financially appealing. Additionally, most participants identified a lack of job opportunities as a key motivation for becoming ghostwriters. Unemployment, economic strain, and

*Corresponding author

Hemmati, R., & Baharlouyi, M. (2025). Rebellion against the University: A qualitative analysis of the experience of dissertation ghostwriting in Iran. *Strategic Research on Social Problems*, 14(2), 23-46. <https://doi.org/10.22108/srsp.2025.144177.2075>



3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.144177.2075>

feelings of social frustration, along with mental and emotional exhaustion, uncertainty, and a bleak outlook on the future, were factors that could explain the graduates' inclination to engage in ghostwriting. The second motivation identified was a desire for revenge against the education system, which was perceived as having contributed to their adverse circumstances. Many ghostwriters attributed their plight to misguided decisions made by educational institutions, such as the push for massification. This sentiment had resulted in psychological traumas, including depression, isolation, and frustration among participants. The third motivation related to the market dynamics surrounding thesis writing, which encouraged both students and ghostwriters to participate. The findings also indicated that ghostwriters often concealed their identities, using

pseudonyms. This created a paradox where they experienced both satisfaction and dissatisfaction with their work. While some viewed ghostwriting as a mission or duty that assisted students in graduating, for most, the primary drivers remained unemployment and financial necessity. Ultimately, the persistence and expansion of this phenomenon could be attributed to the commodification of the thesis. The proliferation of ghostwriting served the interests of both parties involved and the market that had emerged around it. The students were relieved of the pressure to complete their theses, while the unemployed graduates found a source of income through this practice.

Keywords: Ghostwriting, Contract Cheating, Outsourcing, Thesis Writing, Qualitative Method, Thematic Analysis.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی
سال چهاردهم، شماره پیاپی (۴۹)، شماره دوم، ۱۴۰۴، ص ۴۶-۲۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

مقاله پژوهشی

عصیان علیه دانشگاه: تحلیل کیفی تجربه سایه‌نویسی پایان‌نامه در ایران^۱

رضا همتی *، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

r.hemati@ltr.ui.ac.ir

مریم بهارلویی، دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

baharlouemaryam@yahoo.com

چکیده

سایه‌نویسی صنعت زیرزمینی بین‌المللی است که در طی چند دهه گذشته گسترش یافته است و تهدیدی جدی برای کیفیت و اعتبار دانشگاه‌ها در سرتاسر جهان محسوب می‌شود. در ایران نیز شاهد گسترش سایه‌نویسی و شکل‌گیری «بازار سیاه پایان‌نامه‌نویسی» هستیم؛ باین‌حال، پژوهش‌های چندانی درباره ماهیت و ویژگی‌های خاص سایه‌نویسی صورت نگرفته است. این پژوهش از نوع کاربردی است و با استفاده از روش تحلیل مضمون و انجام مصاحبه نیمه‌ساختمند با ۱۵ نفر از سایه‌نویسان صورت گرفت که به‌طور مستقل، در ازای دریافت وجه برای مشتریان پایان‌نامه می‌نوشتند. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها، شش مضمون اصلی «تقلا برای بقا»، «سرخوردگی تمام‌عیار»، «دانشگاه در چنبره فساد»، «عصیان علیه دانشگاه»، «تجربه احساسی پارادوکسیکال»، و «تصور از سایه‌نویسی» به دست آمد. این مضامین بیانگر دلایل، انگیزه‌ها و تصورات سایه‌نویسان از سایه‌نویسی و بسترهای شکل‌گیری و گسترش این پدیده در نظام دانشگاهی ایران است. درنهایت پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: سایه‌نویسی، تقلب قراردادی، برون‌سپاری، پایان‌نامه‌نویسی، روش کیفی، تحلیل مضمون

*نویسنده مسئول

^۱ این مقاله مستخرج از پژوهشی (شماره ۴۰۲۲۴۶۰) است که با حمایت بنیاد ملی علم ایران (صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور) در سال ۱۴۰۳ انجام شده است.

همتی، رضا و بهارلویی، مریم. (۱۴۰۴). عصیان علیه دانشگاه: تحلیل کیفی تجربه سایه‌نویسی پایان‌نامه در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۴(۲)، ۲۳-۴۶.

<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.144177.2075>



مقدمه و بیان مسئله

دانشگاه‌ها نهادهایی هستند که در همه جوامع کارکردهای مهمی انجام می‌دهند که آمیزه خاصی از نقش‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی، آموزشی و علمی و گذارنده به آنهاست. دانشگاه‌ها نهادهای چندمنظوره و چندمحصولی هستند که در ایجاد و انتقال ایدئولوژی، گزینش نخبگان و نخبه‌سازی، توسعه اجتماعی و ارتقای آموزشی، تولید و کاربرد دانش و آموزش نیروی کار ماهر نقش اساسی دارند (Enders, 2004). به‌طور کلی دانشگاه‌ها در همه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع معاصر نقش دارند. با توجه به اینکه تولید، توزیع و مصرف علم در زمره مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه‌ها است، علم به مثابه نهادی اجتماعی تعاملات گسترده‌ای با مجموعه‌ای از ارزش‌ها، انتظارات، آداب و هنجارهای علمی دارد. شاکله اصلی نهاد علم و آموزش عالی، اخلاقیات و قواعد اخلاقی است. «تحقق اهداف والای آموزش عالی در جوامع مختلف مستلزم تعریف، پابندی و رعایت اصول و معیارهای اخلاق علمی و حرفه‌ای توسط کنشگران اجتماع علمی است.» (نعمتی و محسنی، ۱۳۸۹)

طبق نظر «مرکز بین‌المللی صداقت علمی»^۱، صداقت علمی تعهد به شش ارزش بنیادی یعنی درستکاری، اعتماد، انصاف، احترام، مسئولیت و شجاعت است (Ahsan et al., 2022). یکی از مهم‌ترین مسائلی که بنیان‌های اخلاق و صداقت علمی را تهدید می‌کند، سوءرفتارهای علمی و ارتکاب یا مشارکت در اعمال غیراخلاقی و ناصادقانه در آموزش، یادگیری، پژوهش و فعالیت‌های علمی است. سوءرفتارهای علمی از مدت‌ها پیش به‌عنوان یکی از نگرانی‌های جدی در آموزش عالی مطرح بوده است و در سال‌های اخیر افزایش یافته است. براساس برخی برآوردها، تا ۷۵ درصد از دانشجویان دانشگاه در طول دوران تحصیل خود درگیر برخی از سوءرفتارهای علمی بوده‌اند (Erguvan, 2022).

یکی از اشکال سوءرفتار و عدم صداقت علمی، سایه‌نویسی^۲ (یا تقلب قراردادی)^۳ است که تهدید جدی برای

کیفیت و استانداردهای آموزش عالی و اعتبار مؤسسات دانشگاهی است. به‌طور کلی سایه‌نویسی شامل «دسترسی، خرید، مبادله یا تجارت هر نوشته‌ای است که تکمیل (همه یا بخشی) آن به شخص ثالث واگذار می‌شود» (Bretag et al., 2019). با وجود دیدگاه منفی درباره سایه‌نویسی دانشگاهی و انتظار صداقت علمی از دانشجویان، گروه کوچکی از آنها هنوز به دنبال خدمات سایه‌نویسی هستند. آمارها نشان می‌دهد که سایه‌نویسی در آموزش عالی روبه افزایش است. از نظر کرین^۴ (n.d) تقلب به بخشی قابل قبول از زیست دانشگاهی در دانشگاه‌های ایالات متحده تبدیل شده است (Pacino, 2021). طبق گزارش «سازمان تضمین کیفیت آموزش عالی انگلستان» از هر هفت دانش‌آموخته اخیر در سطح بین‌المللی (یا در حدود ۳۱ میلیون دانشجو در سراسر جهان)، یک نفر ممکن است برای انجام تکالیف خود به شخص دیگری پول داده باشد. ایالات متحده آمریکا بیشترین تعداد دانشجویانی را دارد که کارهای علمی‌شان را به‌صورت برخط به دیگران سفارش داده‌اند و پس‌از آن کانادا و بریتانیا قرار دارند. تخمین زده می‌شود که بیش از ۷۱۰۰۰ دانشجو در کانادا درگیر سایه‌نویسی هستند. در چکسلواکی ۷۰۶ درصد از دانشجویان دانشگاه آثاری را ارائه کرده بودند که توسط شخص دیگری انجام شده بود. در استرالیا نیز این نرخ ۲/۲ درصد یا ۱۳۴۶۲ دانشجو است (Ahsan et al., 2022)؛ علاوه بر این، داده‌های Google Trends در سراسر جهان نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ عبارات جست‌وجوی «نویسندگان پایان‌نامه» و «نویسندگان رساله» به ترتیب از ۴۳ درصد به ۱۰۰ درصد و از ۰ درصد به ۷۵ درصد رسیده‌اند (Mtshweni, 2024).

خدمات ارائه‌شده توسط شرکت‌های مقاله‌نویسی اگرچه در همه کشورها غیرقانونی نیست، تأثیر بالقوه آنها قطعاً می‌تواند اعتبار نظام آموزش عالی را به خطر بیندازد (Pacino, 2021)؛ علاوه بر این گسترش این پدیده در بلندمدت می‌تواند مانعی اساسی در مسیر پیشبرد علم، دانش و اهداف اساسی نظام آموزش عالی باشد. سایه‌نویسی رذیلتی معرفتی^۵ است که

⁴ Crane

⁵ Epistemic vices

¹ International Center for Academic Integrity

² Ghostwriting

³ Contract cheating



ناشی از برداشت و تلقی نادرست (کالایی) از ماهیت علم، مطالعه و پژوهش است. سایه‌نویسی می‌تواند برای کل اجتماع علمی زیان‌آور باشد و اعتماد عمومی به نظام آموزشی را خدشه‌دار کند و اشتها و اعتبار دانشگاه‌ها و مدارک دانشگاهی را زیر سؤال برد. پرداختن به موضوع سایه‌نویسی از جنبه اجتماعی نیز حائز اهمیت است. از آنجاکه هدف نهاد علم جامعه‌پذیری دانشجویان و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در آنهاست، در صورت عدم عدول و سرپیچی از هنجارها و ارزش‌های اجتماع علمی، احتمال دارد آنها در مسیر آتی زندگی‌شان نیز برای رسیدن به اهدافشان همین رویه را در پیش بگیرند و تلاش کنند تا از مسیرها و ابزارهای نامشروع برای رسیدن به مقاصدشان استفاده کنند. گسترش و شیوع سوءرفتارهای علمی و تلاش برای کسب منافع فردی به ضرر مصالح جمعی، مانع جدی در جهت تحقق «شهروندی دانشگاهی»^۱ و در سطح کلان، قانون‌گرایی در جامعه است. شیوع تقلب همچنین می‌تواند شاخصی از وجود آنومی اجتماعی^۲ در آن جامعه باشد؛ زیرا زمانی که افراد راه‌های قانونی برای رسیدن به اهداف خود نیابند، به اصطلاح تلاش می‌کنند تا قانون را دور بزنند.

در ایران مسئله سایه‌نویسی و شکل رایج آن یعنی پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی از ابتدای دهه ۹۰ به عنوان پدیده‌ای نابهنجار توجه رسانه‌های محلی نظیر هفته‌نامه تجارت فردا را به خود جلب کرد. در این هفته‌نامه یادداشتی با عنوان «چند می‌گیری پایان‌نامه بنویسی» از تبدیل پایان‌نامه به کالایی پول‌ساز یاد شد و از مؤسسات پایان‌نامه‌نویسی انتقاد شد. از سال ۱۳۹۲ به بعد، سایر مطبوعات و خبرگزاری‌های کشور از جنبه‌های مختلف به این موضوع واکنش نشان دادند. در سال ۱۳۹۵ مجله ساینس مقاله‌ای با عنوان «در ایران بازار سایه مقالات علمی به رشد علم آسیب می‌زند»^۳ چاپ کرد (کاظمی و اصغری، ۱۳۹۸). در همین دوره، عطایی آشتیانی^۴ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «مهار تخلفات علمی در ایران»^۵، ارقام تکان‌دهنده‌ای درباره

شیوع این تخلف در بین دانشجویان ایرانی ارائه کرد و آشکارا از «مقاله‌فروشی» و «بازار انتشارات» بحث کرد. همچنین ارقامی درباره هزینه چاپ در مجلات با ضریب تأثیر متفاوت^۶ ارائه شد؛ به علاوه، برای اولین بار اعلام شد که دولت ایران در حال تدوین قوانینی برای جریمه نه تنها دانشجویان دخیل در این رفتار نادرست، بلکه همچنین مؤسسات فروش مقاله و پایان‌نامه است. در سطح جهانی نیز، این واقعیت که شرکت‌ها در ایران پیشنهادها و پایان‌نامه‌ها را درازای دریافت هزینه می‌نویسند، منجر به بحث‌هایی درباره سلب اعتماد اجتماع علمی بین‌المللی و احتمال عدم تمایل همکاران بین‌المللی به همکاری با دانشمندان ایرانی شد. این امر باعث نگرانی از «تمرکز سیاست‌گذاران کشور بر افزایش تعداد پژوهشگران دانشگاهی» شد. سایر نشریات در جزئیات گزارش‌های مربوط به فروش مقاله در میان دانشجویان و سرقت علمی در بین دانشمندان ایرانی از نشریه ساینس به معنای وسیع‌تر پیروی کردند و رسوایی‌های مربوط به این اقدامات غیراخلاقی، اما همچنان قانونی به‌طور مکرر در عناوین اخبار محلی مطرح می‌شود (Takrimi et al., 2023).

درباره سایه‌نویسی و نوع حاد آن یعنی پایان‌نامه‌نویسی پژوهش‌های چندان زیادی در کشورمان (به استثنای کاظمی و اصغری، ۱۳۹۸؛ رسولی و دیگران، ۱۳۹۹؛ Shahghasemi & Akhavan, 2023; Takrimi et al, 2023) صورت نگرفته است و هنوز این مسئله، انگیزه‌های مشارکت، پیامدها و حتی سازوکارهای شکل‌گیری و گسترش آن چندان روشن نیست. به عنوان حوزه پژوهشی جدید، معدود مطالعات مذکور درباره سایه‌نویسی بر تجارب دانشجویان سفارش‌دهنده متمرکز بوده‌اند و کمتر به تجارب سایه‌نویسان (پیمان‌کاران، سفارش‌گیرندگان) توجه کرده‌اند، به‌ویژه سایه‌نویسانی که به‌طور مستقل کار می‌کنند و به شرکت‌های پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی وابسته نیستند؛ بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی این مسئله و پرکردن این خلأ پژوهشی و بررسی انگیزه‌های مشارکت سایه‌نویسان در تهیه و تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی و بسترهای

⁴ Ataei-Ashtiani

⁵ Curbing Iran's Academic Misconduct

⁶ Impact factors

¹ Academic citizenship

² Social anomie

³ A shady market in scientific papers mars Iran's rise in science.



شکل‌گیری این پدیده است.

چارچوب مفهومی

سایه‌نویسی (یا به اصطلاح تقلب قراردادی) یکی از نمونه‌های بارز و بسیار حاد سوءرفتارهای علمی به شمار می‌آید که در یکی دو دهه گذشته گسترش چشمگیری داشته و اجتماع علمی آن را بسیار نکوهیده است (Sivasubramaniam et al., 2016). حادبودن این پدیده از آنجا ناشی می‌شود که هیچ سرقت مستقیم فکری در آن صورت نمی‌گیرد، بلکه بیشتر بحث تدلیس^۱ یا دروغ‌گویی درباره نویسنده اثر است (Ali & Alhassan, 2021). اگرچه سابقه پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به سایه‌نویسی اشاره می‌کند به سال ۲۰۰۶ بازمی‌گردد، این ایده که یک دانشجو می‌تواند از شخص دیگری بخواهد کارش را برای او تکمیل کند، به‌وضوح قبل از این تاریخ اتفاق افتاده است. نمونه‌هایی از این اقدام را می‌توان در دهه ۱۹۳۰ مشاهده کرد (Lancaster, 2024).

در زبان فارسی سایه‌نویسی، سایه‌نگاری، ناپیدانویسی، شبج‌نویسی یا پنهان‌نویسی عبارت‌هایی هستند که برای توصیف واژه Ghostwriting به کار رفته‌اند. این پدیده به زبان ساده پدیده‌ای است که در آن کسی نوشته‌ای را می‌نویسد، ولی نام او در آن نوشته نمی‌آید (رسولی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴). سایه‌نویسی یعنی نگارش اثر به وسیله شخصی برای استفاده شخصی دیگر (مشتري) است که از آن اعتبار دریافت می‌کند و مؤلف اثر شناخته می‌شود (Mahmoud, 2009). اصل مهم در سایه‌نویسی مخفی‌ماندن هویت و نقش نویسنده اصلی برای مخاطبان و توافق سایه‌نویس و مشتري در این خصوص است. درواقع توافق بر پنهان‌ماندن نقش نویسنده در برابر مخاطبان است که به اصطلاح «سایه» معنا می‌دهد (نپ و هولبرت، ۱۳۹۸). در تعریف دیگر منظور از سایه‌نویسی ارائه خدمات در زمینه تهیه و تدوین مقالات، پایان‌نامه و سایر امور پژوهشی است؛ به‌طوری‌که اثر توسط شخص ثالث (سایه‌نویس یا نویسنده

مجهول یا نامرئی) آماده می‌شود، اما اعتبار آن به فرد متقاضی و مشتري (دانشجو یا استاد) داده می‌شود، نه نویسنده واقعی (صلح‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۱). ریگی و دیگران^۳ (2015) سایه‌نویسی را تقلبی در نظر گرفتند که به‌موجب آن دانشجویان تحویل تکلیف استاندارد مشخصی را در دوره‌ای معین با قیمت مشخص سفارش می‌دهند. از نظر کارگروه مقابله با سایه‌نویسی در «شبکه اروپایی صداقت علمی»^۴، سایه‌نویسی عبارت است از «شکلی از سوءرفتار علمی زمانی که در آن شخصی از شخص ثالث اعلام‌نشده یا نامعتبر برای تهیه اثر به‌منظور کسب امتیاز یا پیشرفت تحصیلی استفاده می‌کند، خواه در این میان پرداخت پول صورت گرفته باشد یا نباشد» (Lancaster, 2024).

درباره نویسندگان سایه، پژوهشگران علاوه بر واژه سایه‌نویس از واژه‌های «نویسنده علمی»^۵ (Walker, 2019) و «تأمین‌کننده»^۶ (Eaton, 2021) نیز استفاده کرده‌اند. از نظر ایتون^۷ (2021) اصطلاح «تأمین‌کننده» در برابر استفاده از «سایه‌نویسی» ارجحیت دارد؛ زیرا سایه‌نویسی عملی پذیرفته‌شده به‌ویژه در نوشتن سخنرانی‌های سیاسی است. از نظر ایتون استفاده از این اصطلاح، عمل تقلب قراردادی را «عادی‌سازی می‌کند» و به استفاده هرچه بیشتر از آن کمک می‌کند. موضوع دیگر آن است که نویسندگان سایه گروه یکدست و همگنی نیستند؛ برای مثال لنکستر (2019) چند دسته از نویسندگان سایه را شناسایی کرد که شامل دانشگاهیان، هم‌تایان دانشجویان، دانش‌آموختگان قبلی، دوستان و اعضای خانواده، فرصت‌طلبان کسب‌وکار و غیره بودند. سایه‌نویسان آزاد یا مستقل^۸ به‌عنوان زیرشاخه‌ای از سایه‌نویسان، عملکرد متفاوتی از سایه نویسندگان وابسته به شرکت‌های مقاله‌نویسی و پایان‌نامه‌نویسی دارند. سایه‌نویسان آزاد، مستقل از ساختار کسب‌وکار شرکت‌های مقاله‌نویسی و پایان‌نامه‌نویسی معمولاً از طریق گروه‌های آنلاین و وب‌سایت‌های تبلیغاتی به دنبال کار می‌گردند یا ممکن است از طریق روابط دوستانه و روابط

⁶ Supplier

⁷ Eaton

⁸ Freelance ghostwriters

¹ Misrepresentation

² Hulbert and Knapp

³ Rigby et al.

⁴ Addressing Contract Cheating Working Group

⁵ Academic writer



موجود در بخش آموزش به صورت شفاهی مشتریان‌شان را پیدا کنند (Thacker, 2024).

واژه دیگری که در ارتباط با سایه‌نویسی و مترادف با آن به کار می‌رود، «تقلب قراردادی» است. کلارک و لنکستر^۱ در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۷، تقلب قراردادی را این گونه تعریف کردند: «ارائه کار اصیل که برای کسب اعتبار علمی که برای فرد دیگری تولید شده است، بدون اینکه به منبع اصلی تهیه آن اشاره شود.» از نظر برتاگ و دیگران^۲ (2019b) این اصطلاح «شامل دسته‌ای از شیوه‌های مربوط به برون‌سپاری تکالیف دانشجویان به اشخاص ثالث است، خواه این مؤسسات تجاری باشند یا نباشند». به طور خاص، از نظر آنها تقلب قراردادی زمانی رخ می‌دهد که «یک دانشجو از شخصی - شخص ثالث - می‌خواهد تا تکلیفی را برای او انجام دهد. این شخص ثالث ممکن است دوست، یکی از اعضای خانواده، همکلاسی یا کارمندی باشد که به عنوان لطف به دانشجو کمک می‌کند. ممکن است این تکلیف، تکلیفی از پیش نوشته شده باشد که از یک شرکت مقاله‌نویسی تهیه شده باشد. شخص ثالث همچنین ممکن است یک سرویس پولی^۳ باشد که به صورت محلی یا برخط خود را تبلیغ می‌کند. تعریف برتاگ و دیگران (2019a) آشکارا تکالیف را به عنوان کاری که می‌توان برون‌سپاری کرد، به تعریف تقلب قراردادی اضافه می‌کند و تقلب قراردادی را به کارهای از پیش انجام شده محدود نمی‌کند. همچنین، این تعریف نیاز به پرداخت هزینه برون‌سپاری را در تعریف سایه‌نویسی لحاظ نمی‌کند. در مقابل، برخی از پژوهشگران اصطلاح «تقلب قراردادی تجاری»^۴ را از برون‌سپاری^۵ متمایز کرده‌اند. درباره اولی سایه‌نویسی لزوماً شامل مبادله یا پرداخت پول برای هدفی تجاری است، اما در برون‌سپاری ممکن است پولی رد و بدل نشود. از این تعاریف و جدید بودن تعاریف عام و خاص می‌توان دریافت که هنوز توافقی بر سر تعریفی مشخص از سایه‌نویسی وجود ندارد (Curtis et al., 2022).

تقلب قراردادی فقط مسئله مربوط به نوشته‌ها و آثار مکتوب سنتی نیست. دانشجویان می‌توانند بسیاری از انواع تکالیف، از جمله ارثه‌ها، مرور ادبیات، آثار هنری، پایان‌نامه‌ها، مقالات، مقالات پژوهشی، پروژه، برنامه‌نویسی کامپیوتری، توسعه نمونه کارها^۶، تمرین‌های ریاضی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و حتی پاسخ‌های امتحان را برون‌سپاری کنند (Kaktiņš, 2018; Lancaster, 2024). شاید نگران‌کننده‌ترین جنبه تقلب قراردادی، جنبه تجاری و پرداخت پول است که آن را از لحاظ کیفی به مفهوم متفاوتی از سرقت علمی «بریدن و چسباندن»^۷ یا دریافت کمک نامتعارف از دوستان یا یکی از اعضای خانواده تبدیل می‌کند. عمل پرداخت پول، تقلب قراردادی را به «رفتاری عمدی، از پیش برنامه‌ریزی شده و آگاهانه» مبدل می‌کند (Newton, 2018).

نظریه‌های مختلفی برای توضیح دلایل درگیر شدن دانشجویان در عدم صداقت علمی مطرح شده است. عدم صداقت علمی معمولاً با استفاده از چارچوب‌های نظری برگرفته از ادبیات جرم‌شناسی نظیر نظریه خنثی‌سازی^۸ تبیین شده است (DiPietro, 2010)؛ زیرا عدم صداقت علمی به عنوان رفتار بزهکارانه تلقی می‌شود که با تخلف علمی یا نقض قوانین آموزشی و پژوهشی همراه است؛ با این حال، در درازمدت این رویکرد ناقص و در نهایت بی‌اثر است. از سایر نظریه‌ها می‌توان به نظریه بازدارندگی^۹ (Zimring & Hawkins, 1973)، نظریه خنثی‌سازی^{۱۰} (Sykes & Matza, 1975)، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^{۱۱} (Ajzen & Fishbein, 1969)، اخلاق موقعیتی (Fletcher, 1966)^{۱۲}، نظریه یادگیری اجتماعی (Bandura, 1963)، خودکنترلی (Diksha & Hirschi, 1990) و نظریه انتخاب عقلانی^{۱۳} (Cornish & Clarke, 1986) اشاره کرد. در سطح کلان نیز پدیده‌هایی نظیر جهانی شدن، توده‌ای شدن، کالایی شدن، مک‌دونالدیزه شدن، خصوصی شدن، پولی شدن، بین‌المللی شدن و گسترش استفاده از فناوری‌های نوین

⁸ Theory of neutralisation

⁹ Deterrence theory

¹⁰ Neutralization theory

¹¹ Planned behavior theory

¹² Situational ethics

¹³ Rational choice theory

¹ Clarke & Lancaster

² Bretag et al.

³ Paid service

⁴ Commercial contract cheating

⁵ Outsourcing

⁶ Portfolio development

⁷ Cut-and-paste plagiarism



تغییرات گسترده‌ای در نظام‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایجاد کرده است (Robson & Wihlborg, 2019; Hemmati, 2023). این تغییرات اگرچه براساس زمینه‌های خاص کشورها متفاوت بوده است، اما به‌انحاء مختلف بر ساختار، کارکرد، ماهیت، اهداف، رسالت‌ها، و حتی معنا و مفهوم دانشگاه و نظام آموزش عالی تأثیر گذاشته است. هریک از این روندها و تحولات علاوه بر پیامدها و آثار یادشده دلالت‌هایی بر فرهنگ دانشگاهی، اخلاقیات و کردارهای علمی دانشگاهیان داشته است. درمجموع این نظریه‌ها در سطوح خرد، میانه و کلان هریک بخشی از این پدیده چندوجهی را تبیین می‌کنند و به نظر می‌رسد برای فهم دقیق این پدیده و ارائه سیاست‌گذاری‌های لازم توجه به این سطوح و تعاملات میان آنها اجتناب‌ناپذیر است. ضمن اینکه این نظریه‌ها به‌ویژه در سطح خرد شاید کاملاً ارتباط نزدیکی با تبیین پدیده سایه‌نویسی نداشته باشند، بلکه به‌عنوان نظریه‌های کمکی می‌توان از آنها استفاده کرد.

مرور پیشینه‌های پژوهش

مطالعات چندانی درباره سایه‌نویسان، دلایل، انگیزه‌ها، هویت‌یابی و... مشاهده نشده است. در ادامه به نتایج معدود پژوهش‌هایی در این زمینه به‌اختصار اشاره می‌شود.

تکریمی و دیگران (2023/1402) در مطالعه کیفی توصیفی اکتشافی خود، موضوع سایه‌نویسی را در بسترهای آموزش عالی ایران بررسی کردند. این پژوهش با روش تحلیل ثانویه داده‌ها مشتمل بر مقالات علمی، رسانه‌های منتشرشده و سیاست‌های کشور صورت گرفت. نتایج نشان داد که فقدان جدی پاسخ‌گویی دانشگاه‌ها، انگیزه‌های دانشجویان برای درگیر شدن در سایه‌نویسی و فقدان قوانین مناسب ازجمله عوامل مهم تأثیرگذار بر سایه‌نویسی بودند. رسولی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی سایه‌نویسی: نگاهی به بدرفتاری‌های علمی در بافت آموزش عالی ایران» تجارب سفارش‌دهندگان (۶ نفر) و سایه‌نویسان (۱۰ نفر) را با آمیزه‌ای از روش‌های قوم‌نگاری و نظریه داده‌بنیاد بررسی کردند.

براساس یافته‌های این پژوهش پدیده سایه‌نویسی در قالب هفت بُعد تبیین‌پذیر است: پدیده، دامنه، ویژگی سایه‌نویسان، کانال‌های آشنایی با سایه‌نویسی، اقتصاد پدیده سایه‌نویسی، ویژگی‌های مشتریان سایه‌نویسی و نگرش به پدیده سایه‌نویسی. کاظمی و اصغری (۱۳۹۸) در بررسی پدیده «پایان‌نامه‌نویسی در ایران» به این نتیجه رسیدند که پایان‌نامه‌نویسی در ایران را بنیاد در بستری از شرایط و سیاست‌گذاری‌های مختلف نظیر گسترش آموزش عالی، توده‌ای شدن و سیاست‌های خودگردانی دانشگاه‌ها درک کرد. این شرایط موجب شده است که پایان‌نامه به منبع مهم اقتصادی، منبع مهم تأمین تولید مقاله و منبع بارز نظام ارتقا برای استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی تبدیل شود. تبدیل شدن پایان‌نامه به‌عنوان کالای بارز که منافع متعدد اقتصادی و منزلتی دارد، زمینه‌ساز شکل‌گیری بازارهای جانبی پیرامون دانشگاه شده است؛ درنتیجه، پایان‌نامه به‌عنوان کالای تبادل‌پذیر بین دانشگاه و نهادهای واسطه بازار تبدیل شده است. مؤسسات بی‌شماری از بازار پایان‌نامه‌نویسی سود می‌برند و در این راستا دانشجویان و دانش‌آموختگان بیکار را به خدمت می‌گیرند.

سورینا و آنلند^۱ (2023) در پژوهشی کیفی تجارب و دیدگاه پنج استاد دانشگاهی را بررسی کردند که به‌عنوان سایه‌نویس و به‌طور خاص نویسنده سایه پایان‌نامه‌های دکتری برای یک شرکت کار می‌کردند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که صداقت دانشگاهی یا تعهد پژوهشگران به نشان‌دادن صداقت و رفتار اخلاقی در انتشار پایان‌نامه‌های دکترا، همچنان یک نگرانی جدی است. اگرچه به نظر می‌رسد که سایه‌نویسی صنعتی توسعه‌یافته است، دانشگاه‌ها همچنان آن را به‌عنوان تهدیدی جدی برای اجتماع دانشگاهی تلقی نمی‌کنند و به‌جای آن بر کشف سرقت ادبی تمرکز دارند. باتوجه‌به یافته‌های این مقاله، درحالی‌که بسیاری از دانشگاهیان به دلیل فرصت کسب درآمد بیشتر و حمایت از خانواده‌های خود به دنبال سایه‌نویسی به‌عنوان شغل هستند، اما با چالش‌های متعددی ازجمله هویت، ابهام، نیاز به ایده‌های جدید و ایجاد

¹ Svirina & Anand

هستند و این موضوع خسارت زیادی را به دانشگاه وارد می‌کند.

سیواسوبرامانیام و دیگران^۵ (2016) در مقاله‌ای با عنوان «مواجهه نزدیک با نویسندگان نامرئی: یک مطالعه اکتشافی اولیه در رابطه با زمینه، استراتژی‌ها و نگرش‌های تهیه‌کنندگان مستقل مقالات» که به‌صورت کیفی انجام شده بود، یافته‌های مصاحبه با گروهی از نویسندگان نامرئی شامل پیشینه، نگرش و توجیه آنها از راه‌اندازی این کسب‌وکار جدید را گزارش کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که این کارخانه‌های مقاله‌نویسی و سایه‌نویسی به‌طور گسترده توسط دانشجویان گسترش یافته است. ژنگ و چنگ^۶ (2015) پژوهشی با عنوان «سایه‌نویسی عملی و دانشجویان بین‌المللی» انجام دادند. این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی انجام شد و داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه با تعدادی از اساتید و دانشجویان دانشگاه سانفرانسیسکو گردآوری شد. هدف این پژوهش بررسی تصورات دانشجویان و اساتید در رابطه با سایه‌نویسی علمی بود. توصیه پژوهشگران به دانشجویان آن بود که آنها باید ارزش یادگیری را بدانند و از سایه‌نویسی پرهیز کنند. دانشجویان بهتر است درک کنند که یادگیری اهمیت بیشتر و ارزش بالاتری از نمره دارد. همچنین باید بدانند سایه‌نویسی علمی عمل اخلاقی نیست و اگر از قوانین دانشگاه سرپیچی کنند، باید هزینه آن را بپردازند و مجازات شوند.

بررسی پیشینه تجربی پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که موضوع عدم صداقت علمی و سوءرفتارهای پژوهشی به‌شدت توجه اجتماع علمی را به خود جلب کرده است. در ایران پژوهش‌های مختلفی درباره انواع و اشکال مختلف سوءرفتارهای پژوهشی صورت گرفته، اما درباره شکل خاص و حاد آن یعنی سایه‌نویسی و نوشتن پایان‌نامه برای سفارش‌دهندگان، پژوهش بسیار اندکی انجام شده است. پژوهش‌های خارجی در مقایسه با پژوهش‌های داخلی از نظر رویکردهای نظری و نیز از نظر روشی تنوع بیشتری دارند. در این پژوهش‌ها تلاش‌های اولیه برای مفهوم‌سازی، شناسایی عوامل تأثیرگذار، پیامدها و دلالت‌های

تعادل بین کار و زندگی و زمان حرفه‌ای روبه‌رو هستند. ارگیون^۱ (2022) در پژوهشی «فهم دانشجویان از سایه‌نویسی در یکی از دانشگاه‌های کویت» را بررسی کرد. این مطالعه به‌صورت کیفی و از طریق مصاحبه‌های گروهی متمرکز، با هدف بررسی دیدگاه‌های ۲۵ دانشجوی سال اول درخصوص سایه‌نویسی در طی شیوع کرونا در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ صورت گرفت. نتایج نشان داد که انگیزه‌های اولیه برای درگیر شدن در سایه‌نویسی عمدتاً فرصت‌های ناشی از یادگیری برخط و چالش‌های روانی و فیزیکی است که دانشجویان در طول یادگیری برخط تجربه کرده‌اند. آنهایی که تقلب نکرده‌اند، ویژگی‌های مشترکی داشتند؛ مانند روحیه رقابتی، اعتماد به استعداد‌های خود و میل شدید به یادگیری؛ علاوه‌براین، کسانی که ارزش‌های اخلاقی بالایی داشتند، از تقلب اجتناب کرده بودند.

علی و الحسن^۲ (2021) در پژوهشی با عنوان «مبارزه با سایه‌نویسی (سایه‌نویسی) و نویسندگان نامرئی در آموزش عالی: حرکت به سمت یک رویکرد چندبعدی» با استفاده از رویکرد کمی و انجام مصاحبه نیمه‌ساختمند با ۳۰ مشارکت‌کننده در دانشگاه‌های عمان به این نتیجه رسیدند که اساتید، سایه‌نویسی را به‌عنوان نوعی سرقت علمی تلقی می‌کنند. همچنین از نظر اساتید، سایه‌نویسی تأثیر منفی بر صداقت علمی دارد. درعین حال اساتید درباره راه‌های مقابله و مهار این پدیده مانند تأیید دستی^۳ و افزایش آگاهی پیشنهادهایی داشتند. ویلیامسون^۴ (2019) در مقاله‌ای با عنوان «سایه‌نویسی و صداقت علمی در آموزش عالی: دانشگاه‌ها، دولت‌ها و مؤسسات اعتباربخشی چه‌کاری برای درک، جلوگیری و پاسخ به این چالش می‌توانند انجام دهند»، تقلب علمی را در سه کشور استرالیا، بریتانیا و نیوزلند بررسی کرد. نتایج نشان داد که اولین گام در حل مشکل تقلب در دانشگاه‌ها پذیرفتن آن است. همه دانشگاه‌ها باید بپذیرند که تقلب در حال وقوع است؛ ضمن اینکه وقوع تقلب باعث دانش‌آموخته شدن دانشجویانی می‌شود که جامعه را فریب داده‌اند؛ زیرا آنها فاقد صلاحیت لازم برای ورود به بازار کار

⁴ Williamson

⁵ Sivasubramaniam

⁶ Zheng & Cheng

¹ Erguvan

² Ali & Alhassan

³ Manual verification



این مسئله، نحوه بازاریابی، نحوه شناسایی و درنهایت سازوکارهای پیشگیری و مقابله با آن و کمک به سیاست‌گذاری مناسب صورت گرفته است.

روش‌شناسی

نوع این پژوهش کاربردی است و برای مطالعه انگیزه‌های شرکت‌کنندگان از سایه‌نویسی مستقل و نگارش پایان‌نامه برای مشتریان، از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون استفاده شد. به عقیده برخی از پژوهشگران، تحلیل مضمون نه یک روش، بلکه ابزار مناسبی برای روش‌های مختلف معرفی می‌کند. برخی دیگر بر این باورند که تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن انعطاف‌پذیری است. از نظر براون و کلارک^۱ (57: 2012) هدف از تحلیل مضمون «شناسایی نظام‌مند، سازمان‌دهی و ارائه بینش نسبت به

الگوهای معنایی (مضامین) در یک مجموعه داده» است. در پژوهش حاضر از روش تحلیل مضمون استقرایی استفاده شد. در این روش مضامین شناخته، به‌شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند. همچنین فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه‌شده (یا قالب مضامین) صورت می‌گیرد. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۱۵ نفر از دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور بودند که در ازای دریافت هزینه برای مشتریان‌شان پایان‌نامه می‌نوشتند. بیشتر این مشارکت‌کنندگان بیکار و به‌صورت حق‌التدریس در دانشگاه‌های مختلف مشغول به فعالیت بودند. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

Table 1- Demographic characteristics of participants

شماره	نام مستعار	سن	وضعیت تأهل	سال دانش آموختگی	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی	دانشگاه
۱	فریده	۳۸	مجرد	۱۴۰۰	جمعیت‌شناسی	دکتری	دانشگاه تهران
۲	لیلا	۳۸	مجرد	۱۴۰۰	جمعیت‌شناسی	دکتری	دانشگاه یزد
۳	الهام	۳۵	متاهل	۱۳۹۶	جامعه‌شناسی	کارشناسی ارشد	دانشگاه شاهد
۴	حسین	۳۴	مجرد	۱۳۹۵	روان‌شناسی	دانشجوی دکتری	دانشگاه اصفهان
۵	رضا	۳۶	متاهل	۱۳۹۸	علوم سیاسی	دکتری	دانشگاه اصفهان
۶	شیرین	۳۵	متاهل	۱۳۹۷	برق	کارشناسی ارشد	دانشگاه اصفهان
۷	ابراهیم	۵۳	متاهل	-	جامعه‌شناسی	دانشجو دکتری	دانشگاه آزاد
۸	کاوه	۳۷	مجرد	۱۳۹۸	روان‌شناسی	دکتری	دانشگاه شیراز
۹	حسام	۳۷	مجرد	۱۴۰۰	صنایع	دکتری	دانشگاه یزد
۱۰	ارسلان	۳۳	مجرد	۱۳۹۵	برق	دانشجو دکتری	دانشگاه آزاد
۱۱	مهران	۳۴	مجرد	۱۳۹۶	جامعه‌شناسی	دانشجو دکتری	دانشگاه آزاد
۱۲	مرجان	۳۰	مجرد	۱۴۰۰	روان‌شناسی	کارشناسی ارشد	دانشگاه رشت
۱۳	حمیده	۲۸	مجرد	۱۴۰۰	مددکاری	کارشناسی ارشد	دانشگاه یزد
۱۴	زهرا	۳۶	مجرد	۱۳۹۷	جامعه‌شناسی	دکتری	دانشگاه شیراز
۱۵	شیما	۳۵	مجرد	۱۳۹۶	مشاوره خانواده	دانشجو دکتری	دانشگاه اصفهان

¹ Braun & Clarke



باتوجه به اینکه شناسایی و تماس با نویسندگان سایه کاری چالش برانگیز است (Miles, 2008)، بنابراین با پرس و جو از دانشجویان، دوستان و اساتید یا آنهایی که اطلاعاتی در این خصوص داشتند، به این نمونه‌ها دسترسی پیدا شد. پس از معرفی سایه‌نویسان با آنها تماس گرفته شد و با آنهایی مصاحبه صورت گرفت که تمایل به همکاری داشتند. باتوجه به دشواری بسیار زیاد در دسترسی به نمونه‌ها به دلیل ماهیت پنهان این قسم فعالیت‌ها- حداقل در این پژوهش- امکان تعریف ملاک‌های زیادی برای ورود مشارکت‌کنندگان وجود نداشت؛ بنابراین، ملاک ورود مشارکت‌کنندگان به فرایند مصاحبه داشتن تجربه پایان‌نامه‌نویسی برای دیگران در ازای دریافت وجه بود. برای پیدا کردن مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد به طوری که پس از دسترسی به اولین نمونه تلاش شد تا به اطلاع‌رسانان دیگر دسترسی پیدا شود. برای گردآوری یافته‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختمند/نیمه‌باز به دلیل متداول بودن آن استفاده شد. میانگین مصاحبه‌ها در حدود ۹۰ دقیقه بود.

داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک (2013) تجزیه و تحلیل شدند. پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها آشنایی اولیه با متن صورت گرفت و ایده‌های اولیه یادداشت شدند. متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها چندین بار مطالعه و تلاش شد که بدون توجه به پیش‌فرض‌های نظری، به طور کلی بر داده‌ها تمرکز شود. در ادامه متن مصاحبه‌ها به واحدهای معنادار کوچک تقسیم و کدگذاری شد و بخش‌های کلیدی نیز کدگذاری شدند. در ادامه تلاش شد تا کدهای اولیه در قالب مضامین کلی‌تری سازمان‌دهی و کدهای مرتبط در ذیل مضامین مرتبط گردآوری شوند. در ادامه برخی از کدها یا مضامینی که ارتباط ضعیفی با سؤال پژوهش داشتند (نظیر مضامین مرتبط با انگیزه‌های ورود به دانشگاه، برنامه‌ها و چشم‌اندازهای آتی) حذف شدند. در مرحله آخر تلاش شد تا مضامین فرعی در ذیل مضامین اصلی

قرار گیرند و عناوین و برجسته‌بندی‌های جذاب، گویا و خلاقانه برای مضامین اصلی باتوجه به مضامین ذیل آن انتخاب شوند. در گزارش مضامین نیز نقل قول‌های مستقیمی از گفته‌ها و اظهارات مشارکت‌کنندگان به زبان خودشان بیان شد که شامل یک جمله یا یک یا چند پاراگراف طولانی بود. در نهایت با ارائه جمع‌بندی تلاش شد تا از این مضامین مشترک تفسیری ارائه شود که بیانگر و معرف بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های واقعی مشارکت‌کنندگان باشد. در پژوهش حاضر فرایند تحلیل ابتدا به صورت فردی انجام شد. سپس نتایج بین نویسندگان اول و دوم بررسی و با بحث جمعی اصلاح شد.

برای اعتباربخشی و مشروعیت‌بخشی به یافته‌ها، از چهار معیار باورپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، اطمینان‌پذیری^۳ و تصدیق‌پذیری^۴ استفاده شد (Lincoln & Guba, 1985). به منظور تضمین باورپذیری در فاز کیفی از روش بازبینی اعضا استفاده شد؛ در این راستا پس از کدگذاری مصاحبه‌ها توسط نویسنده دوم، مصاحبه‌ها در اختیار نویسنده اول قرار گرفت و ایشان نیز ارتباط بین مضامین استخراجی و معقول بودن این کدها و مضامین خلق‌شده را بازبینی کردند و در این فرایند برخی از مضامین و کدها اصلاح شدند. به منظور تضمین انتقال‌پذیری تلاش شد تا تمام جزئیات مربوط به مضامین اصلی و فرعی و همچنین اقدامات صورت‌گرفته برای دستیابی به مشارکت‌کنندگان و موانع پیش‌رو تشریح شود و هیچ موردی از قلم نیفتد. درخصوص قابلیت اتکا و اطمینان به یافته‌های پژوهشی نیز تلاش شد تا باتوجه به ادبیات و دیدگاه‌های مختلفی که درخصوص نمونه‌گیری و تعداد نمونه‌ها (مشارکت‌کنندگان) وجود دارد، تعداد مشخصی از آنها انتخاب شوند. به منظور حفظ رازداری نیز در اولین جلسه ملاقات برای هماهنگی زمان مصاحبه، ضمن تشریح موضوع و هدف از انجام پژوهش، بر این نکته تأکید شد که تمامی مصاحبه‌ها پس از ضبط به صورت گمنام و بدون اشاره به مشخصات فردی آنها گزارش خواهد شد. برای تضمین تأییدپذیری نیز تمام

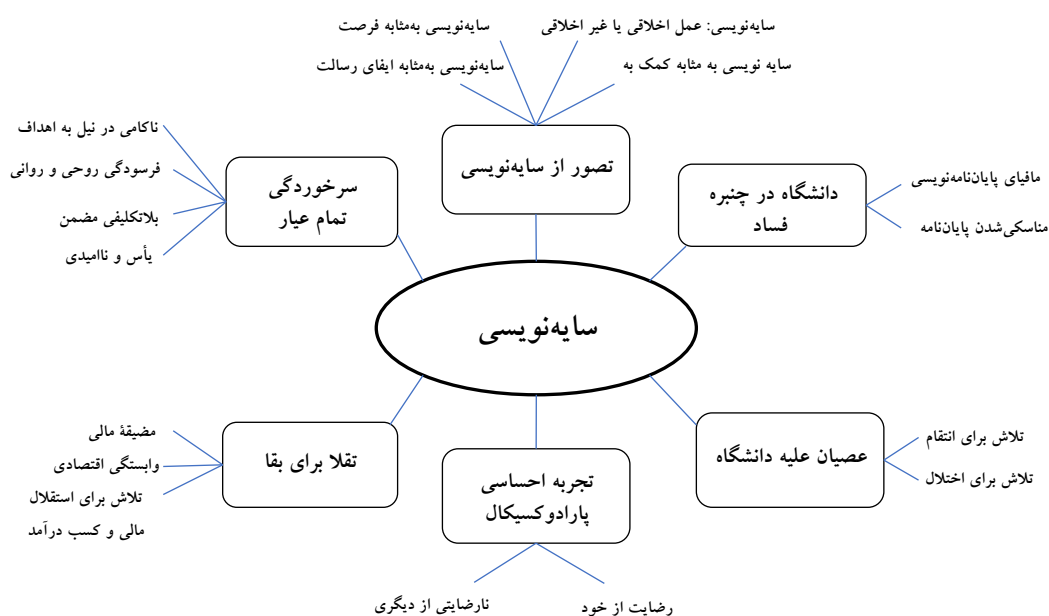
³ Dependability⁴ Conformability¹ Credibility² Transferability

مصاحبه‌ها ضبط شد و به همان دقت پس از پیاده‌سازی متنی وارد نرم‌افزار Maxqda (نسخه 24.4.1) شد. در بخش یافته‌ها نیز تلاش شد تا متناسب با سؤال یا موضوع بحث، مکالمات به‌صورت لفظ به لفظ ارائه شوند. در راستای توجه به ملاحظات اخلاقی پس از مراجعه حضوری یا تماس تلفنی یا اینترنتی با مشارکت‌کنندگان ابتدا توضیحاتی درباره مسئله پژوهش و اهمیت و ضرورت آن ارائه شد و در صورت رضایت آنها، زمان مصاحبه تنظیم شد. با توجه به حساسیت شدید مشارکت‌کنندگان به حفظ گمنامی و ناشناختگی، بیشتر

مصاحبه‌ها ضبط شد و به همان دقت پس از پیاده‌سازی متنی وارد نرم‌افزار Maxqda (نسخه 24.4.1) شد. در بخش یافته‌ها نیز تلاش شد تا متناسب با سؤال یا موضوع بحث، مکالمات به‌صورت لفظ به لفظ ارائه شوند. در راستای توجه به ملاحظات اخلاقی پس از مراجعه حضوری یا تماس تلفنی یا اینترنتی با مشارکت‌کنندگان ابتدا توضیحاتی درباره مسئله پژوهش و اهمیت و ضرورت آن ارائه شد و در صورت رضایت آنها، زمان مصاحبه تنظیم شد. با توجه به حساسیت شدید مشارکت‌کنندگان به حفظ گمنامی و ناشناختگی، بیشتر

یافته‌های پژوهش

پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها شش مضمون (شکل ۱) به دست آمد که هریک از آنها بیانگر بخشی از دلایل و انگیزه‌های مشارکت‌کنندگان از نوشتن پایان‌نامه برای مشتریان بود که در ادامه به تفصیل تشریح می‌شوند.



شکل ۱- مضامین به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها

Fig 1- Themes derived from the analysis of interviews

سرخوردگی تمام عیار

آرزوهایشان به‌ویژه در حوزه اقتصادی و کسب درآمد برسند؛ به عبارت دیگر آنها نتوانسته‌اند سرمایه فرهنگی خود را به سرمایه اقتصادی تبدیل کنند. یکی از سازوکارهای جبران این سرخوردگی تمام عیار، ایفای نقش سایه‌نویسی برای کسب درآمد حداقلی است. شیرین در رابطه با شکست آرزوهای حرفه‌ای و اجتماعی و جوانی کوتاه و گذرا می‌گوید:

«من تا یادم می‌آید، همیشه به خودم می‌گفتم مجبوری،

سرخوردگی تمام عیار نشان‌دهنده ناکامی مشارکت‌کنندگان در تحقق آرزوهای شغلی و اجتماعی، «سردرگمی عذاب‌آور» و «فرسودگی روحی و روانی» حاصل از این شرایط است. بیشتر مشارکت‌کنندگان احساس می‌کردند که سال‌های متمادی را صرف تحصیل کرده‌اند و سختی‌ها و رنج‌های زیادی را در این راه به جان خریده‌اند، با این حال نتوانسته به اهداف و

مشارکت‌کنندگان وضعیتی را که در آن قرار داشتند، وضعیت بلا تکلیفی و استیصال و سردرگمی عنوان می‌کردند. بیشتر آنها به آینده خود امیدی نداشتند و حداقل در کوتاه‌مدت امیدی به تغییر شرایط برای خود متصور نبودند. رضا در این رابطه می‌گوید:

«هر شب موقع خواب فکر می‌کنم کی این شرایط و وضعیت قراره برام تغییر کنه و هرچقدر دورترم می‌بینم، می‌فهمم راه خلاصی نیست. از این معلق بودن واقعاً خسته شدم. رو هوام، نمی‌دونم چی کار کنم. نمی‌تونم کار کنم. برای آینده‌ام هیچ برنامه‌ریزی‌ای نمی‌تونم بکنم و همیشه انگار بین زمین و آسمون معلق موندم.»

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این رابطه افزود:

«هیچ امیدی به آینده ندارم. آینده برام شده مثل یه رؤیایی که دست نیافتنی و فقط می‌تونم توی ذهنم بهش برسیم. اینکه بتونم مزد زحمتمو ببینم، یه شغل خوب پیدا کنم با درآمد عالی. بتونم زندگیمو بسازم، برام شده فقط یه رؤیای دست‌نیافتنی. تو ایران، آینده فقط مال پولداراست و آدمایی که پارتی دارن. من هیچ امید و احساس خوشایندی به آینده ندارم و البته اغلب دوستانم که مثل منن، یه دکتر بیکار اوضاعشون و نگاهشون همینه. یه افق کور»

تقلا برای بقا

مقوله «تقلا برای بقا» بیانگر چالش‌ها و مشکلات اقتصادی دامن‌گیر بیشتر مشارکت‌کنندگان است که شامل سه مضمون فرعی مضیقۀ مالی، وابستگی اقتصادی و تلاش برای استقلال مالی است. یکی از دلایلی که بیشتر مشارکت‌کنندگان برای سایه‌نویسی عنوان کرده‌اند، مشکلات مالی است. در این شرایط ممکن است برخی از افراد به سایه‌نویسی به عنوان منبع درآمد حداقلی روی بیاورند. مرجان در رابطه با این موضوع می‌گوید:

«من متولد سال ۱۳۶۴ هستم و برای کسی مثل من با این سن و با این مدرک و البته ادعایی که دارم خیلی زشت و خجلت‌آور به‌خوام از بلبام پول بگیرم یا وقتی چیزی نیاز دارم، بگم مامان و بابام برام بخرن. همین‌که مجبورم اونجا زندگی کنم، برام به اندازه کافی سخت هست دیگه اصلاً دلم

باید، چاره‌ای نداری و ملزومی که بشینی پای درس. بچه‌ها می‌رفتن دور هم تو خوابگاه، ولی من اغلب نمی‌رفتم. شب‌ها تا دیروقت درس می‌خوندم. به عنوان یه دختر تمام پولم می‌رفت جای رفت‌وآمد دانشگاه و کتاب و دفتر و... و هیچ وقت پول نمی‌موند بخوام برم برای خودم و جوونیم هزینه کنم؛ مثلاً برم کرم خوب بخرم یا خرج آرایشگاه کنم. همیشه فقط درس و حذف بقیه چیزها و همه‌اش شده یه عالمه خط و خطوط.»

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این خصوص افزود:

«اون چیزی که من از دست دادم تا به یه دکترایم برسم و تا آخرین مقطع تحصیلی درس بخونم، جوونیم بود. من اصلاً نرسیدم جوونی کنم. همیشه به جای فیلم دیدن و با دوست بودن و بیرون بودن نشستم خونه پای درس و تکلیف و مطالعه و متأسفانه هیچ نتیجه خوبی‌ام نداشت برام. هنوز تو حداقل‌های زندگی‌ام موندم»

مشکلات مالی، سرخوردگی، اضطراب‌های مربوط به آینده شغلی یا حتی احساس شکست در دستیابی به اهداف شخصی و حرفه‌ای نتیجه‌ای جز فرسایش روحی و روانی ندارد. فرسودگی روحی و روانی می‌تواند منجر به کاهش قدرت تمرکز، خستگی و عدم انگیزه برای انجام کارهای روزمره شود. در چنین شرایطی ممکن است برخی از افراد به دلیل آستانه تحمل پایین به دنبال راه‌حل‌های سریع و آسان برای رهایی از این فشارها باشند. به نظر می‌رسد که سایه‌نویسی گزینه‌ای آسان برای این دسته از افراد باشد. یکی از عوامل تشدیدکننده فرسایش روحی و روانی مشارکت‌کنندگان، سرزنش‌های مداوم خانواده‌ها و نیش و کنایه‌زدن‌های مرتب اطرافیان‌شان هست. فریده نیز در این رابطه گفت:

«من بعد از فارغ‌التحصیلی خیلی به هم ریختم. نمی‌تونم کار پیدا کنم. درآمد درستی ندارم. خانواده‌ام همش سرزنش می‌کنن. حوصله هیچ کاری رو ندارم. از زندگی واقعاً خسته‌ام. از خودم بدم میاد و مدام به خودم می‌گم گند زدی با انتخابت. اصلاً روحیه خوبی ندارم و خیلی اوقات ناخواسته گریه‌ام می‌گیره»

سردرگمی مزمن به معنای بلا تکلیفی و معلق‌بودن

طولانی‌مدت است که راه خلاصی از آن وجود ندارد. بیشتر

نمی‌خواد بخوام هم باری رو دوش اونا باشم، هم خودمو شرمند کنم و بنده‌ام گردن اونا تا هزینه‌هامو بدن.»

بیشتر کسانی که تا مقطع دکتری ادامه تحصیل داده‌اند و دانش‌آموخته شده‌اند، حداقل در دهه چهارم زندگی خود به سر می‌برند و عدم استقلال مالی، کسب درآمد و تأمین مخارج زندگی فشار روحی و روانی زیادی را به آنها وارد می‌کند. ارسال در این باره می‌گوید:

«فکرش رو نمی‌کردم بخوام بعد از اون همه مشقت و رنج و سختی تو این شرایط زندگی کنم. پایان‌نامه‌نوشتن درآمدش فقط به اندازه گذران امرار معاشه نه بیشتر. هیچ تفریح و فراغت با این پول توی زندگیم وجود نداره. یه زندگی کسل‌تبار مزخرف که فقط باید بدوی که زنده بمونی. آخه با هر دو سه ماهی ۱۳ تومن با این تورم، تو سن ۳۷ سالگی هیچ غلطی نمی‌شه کرد.»

زمانی که فردی منبع درآمد کافی نداشته باشد و قادر نباشد هزینه‌ها و مخارج خود را تأمین کند، به لحاظ مالی مجبور است به خانواده خود وابسته باشد؛ موضوعی که بیشتر مشارکت‌کنندگان به شدت از آن ناراضی بودند؛ زیرا زیر دین دیگران رفتن برای آنها به معنای دخالت در زندگی‌شان و کنترل تصمیم‌هایشان بود. حسام در این رابطه می‌گوید:

«هزینه‌های زندگی خیلی زیاد شده. خودتون تورم رو می‌بینید. هر سری داره چقدر زیاد می‌شه. من خودم بدم میاد وقتی این همه درس خوندم، مثلاً برم تو اسنپ کار کنم و پایان‌نامه دو سه ماهی یه بار به پستم می‌خوره انجام بدم؛ چون فقط رشته خودمو انجام میدم. ناچارم خیلی مواقع از بابام پول بگیرم و هر بار پول می‌گیرم، خیلی سرزنش میشم که درست به هیچ دردی نخورد و واقعاً احساس می‌کنم دارم خرد می‌شم و این بی‌انصافی در حق من و امثال منه.»

البته غرور برخی از مشارکت‌کنندگان به آنها اجازه نمی‌داد که کمک‌های خانواده و اطرافیان را بپذیرند. برای همین ترجیح می‌دادند که برای دیگران پایان‌نامه بنویسند؛ اما زیر منت دیگران نباشند. تجربه یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره تأمل برانگیز است:

«من اجازه نمی‌دم کسی بهم پول بده یا خرجمو بده؛ چون از مادرم گرفته تا بقیه وقتی می‌خوان کمک کنن، انگاری با نگاه‌های تحقیرآمیزشون می‌خوان بهم یادآوری کنن که به جایی نرسیدی و هیچی نیستی. این حس خیلی برام آزاردهنده ست؛ برای همین ترجیح میدم، تخلف کنم پول در بیارم تا زیر منت دیگران برم.»

با توجه به مضیق اقتصادی و وابستگی اقتصادی پروضح است که بزرگ‌ترین آرزوی مشارکت‌کنندگان استقلال مالی و کسب درآمد باشد. کاوه در این رابطه می‌گوید:

«من همه تلاش خودم رو دارم می‌کنم تا بتونم مستقل بشم به لحاظ مالی و دیگه دستم تو جیب کسی نباشه. همه هدفم و خواسته‌ام اینه که خودم پول در بیارم و خودم با پولای خودم برای خودم خرج کنم. چند وقتی هست پایان‌نامه و مقاله قبول می‌کنم، می‌نویسم و خوشحالم که دارم کم‌کم پول در میارم و خودمو مستقل می‌کنم.»

تصور از سایه‌نویسی

سایه‌نویسان معمولاً دیدگاه‌های متنوعی به سایه‌نویسی دارند که بسته به تجربه، اهداف و انگیزه‌هایشان ممکن است متفاوت باشد؛ اما در مجموع، چند تصویر رایج از سایه‌نویسی در پژوهش حاضر به دست آمد. برای برخی از سایه‌نویسان، نوشتن پایان‌نامه برای دیگران عملی غیراخلاقی است؛ اما نیازهای اقتصادی و معیشتی آنها را وادار به چنین کاری کرده است.

«من می‌دونم این کار غیراخلاقی هست و بعضی اوقات خیلی احساس بدی بهم دست میده؛ اما مجبورم این کار رو انجام بدم؛ وقتی از تخصص و مهارتم جایی استفاده نمی‌شه، من برای امرار معاشم چاره‌ای ندارم روی اخلاقیاتم پا بذارم.»

اما برخی دیگر به هیچ وجه سایه‌نویسی را علمی غیراخلاقی تصور نمی‌کردند و احساس شرمندگی و عذاب وجدان نداشتند. الهام در این رابطه می‌گوید:

«من اصلاً فکر نمی‌کنم این کار غیراخلاقی هست، برعکس من دارم کمک می‌کنم به دانشجوها و لطف می‌کنم تا بتونن دفاع کنن. چرا باید عذاب وجدان داشته باشم؟»

که بر عهده آنان گذاشته شده است. الهام در رابطه با این موضوع می‌گوید:

«من این کار رو رسالت خودم می‌دونم. انگاری از یه جایی این وظیفه بر عهده من گذاشته شده و به من رسالت داده شده که به دانشجویها کمک کنم تا بتونن فارغ‌التحصیل بشن. واقعاً فکر می‌کنم من استعدادم برای همین منظوره و وقتی با چند تا استاد مشورت کردم، اونا هم گفتن هیچ تخلفی نیست؛ چون چند بار پشیمون شدم و بعد وقتی مشورت گرفتم، دیدم واقعاً این رسالت منه.»

عصیان علیه دانشگاه

«عصیان علیه دانشگاه» بیانگر تلاش مشارکت‌کنندگان برای تخریب یا اختلال در عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی است. هدف این اقدام نه اصلاح، بلکه تضعیف نظام آموزشی است؛ زیرا تصور می‌شود ناعادلانه یا ناکارآمد است. در اینجا، مشارکت‌کنندگان به جای تلاش برای اصلاح سیستم، به شکلی عامدانه و خودخواسته دست به نقض اصول اخلاقی و علمی می‌زنند تا از این سیستم انتقام بگیرند یا در روند آن به‌زعم خود اختلال ایجاد کنند. از نظر مشارکت‌کنندگان، سیستم آموزشی از مسیر اصلی خود منحرف شده است و فساد و بی‌اخلاقی از جامعه وارد آن شده است.

زمانی که دانش‌آموختگان قادر به ورود به بازار کار نیستند یا به شغل‌های مدنظرشان دست پیدا نمی‌کنند، ممکن است احساس کنند که سیستم آموزشی نتوانسته انتظارات آنها را برآورده کند و در نتیجه دچار احساس بی‌عدالتی یا ناامیدی شوند. این احساس می‌تواند منجر به نوعی «انتقام‌جویی» از سیستم آموزشی در قالب سایه‌نویسی شود. حسین در این باره به ما گفت:

«برام اصلاً مهم نیست که چی میشه. من فقط می‌خوام ضربه‌مو بزنم؛ چون وقتی اون‌همه سال درس می‌خونی به امید یه کار خوب، یه زندگی خوب و بعد اصلاً تحویل نمی‌گیرن و اهمیتی نداری برای کسی، یه درک به جهنم. منم انتقام می‌گیرم. چه جوری؟ این جوری که هی خودمو تبلیغ می‌کنم تا دانشجویها پایان‌نامه نویسند و بدن من تا

فارغ از اخلاقی‌بودن یا نبودن، برای برخی از مشارکت‌کنندگان، سایه‌نویسی به منزله فرصتی برای یادگیری و رشد شخصی است. این دسته از سایه‌نویسان، سایه‌نویسی را فرصتی برای یادگیری، تمرین، تکرار و به‌کارگیری آموخته‌های خود عنوان می‌کردند. از نظر آنها در شرایطی که هنوز موفق به جذب در دانشگاه‌ها یا یافتن شغل دلخواه خود نشده‌اند، درگیر شدن در پژوهش و نوشتن پایان‌نامه به آنها کمک می‌کند تا ازلحاظ علمی خود را به‌روز نگه دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه می‌گوید:

«یکی از خوبی‌های پایان‌نامه‌نوشتن اینه که مثل یه تمرین می‌مونه که اجازه نمی‌ده، چیزایی که یاد گرفتی از یادت بره و هرچقدر بیشتر انجام میدی مهارت‌ها و تخصص‌ها بهتر و قوی‌تر میشه، چون تجربه‌ات هی بیشتر می‌شه.»

برای برخی دیگر، سایه‌نویسی نوعی کمک و دستگیری از دیگری بود. این دسته از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند زمانی که دانشجویان بازخورد و راهنمایی لازم را از اساتیدشان دریافت نمی‌کنند، بی‌پناه می‌مانند و آنها با قبول پایان‌نامه‌نویسی در اصل به این دانشجویها کمک می‌کنند. شیرین در رابطه با این موضوع می‌گوید:

«من به نظرم بهترین کاری که می‌تونم انجام بدم، همین کمک به دانشجویهاست و اینو وظیفه خودم می‌دونم که به دانشجویهایی که میان پیشم و درخواست کمک می‌کنن تا بتونن دفاع کنن و فارغ‌التحصیل بشن کمک کنم و کارشون رو راه بندازم. وقتی من این کار رو می‌کنم، خیروبرکت هم به زندگی من میاد؛ چون من دست یکی رو که کمک می‌خواسته رها نکردم.»

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز در این رابطه می‌گوید:

«من واقعاً دوست دارم کمک کنم، دانشجویها مشکلشون حل بشه و بتونن دفاع کنن. وقتی بلد نیستن پایان‌نامه بنویسن خب من کمک می‌کنم تا بتونن فارغ‌التحصیل بشن.»

دسته سوم مشارکت‌کنندگان، پایان‌نامه‌نویسی را وظیفه و رسالت خود تصور می‌کردند و باور داشتند این رسالتی است

این چرخه تکرار بشه.»

تجربه احساسی متناقض

منظور از این مضمون، احساسات متناقض^۱، دوگانه و متضاد مشارکت‌کنندگان در رابطه با خود و دیگری (سفارش‌دهندگان) است. بیشتر مشارکت‌کنندگان احساس خوبی به خودشان و عملکردشان داشتند؛ اما از اینکه با نوشتن پایان‌نامه، برخی می‌توانند بدون زحمت دفاع کنند یا به‌واسطه آن ارتقای شغلی داشته باشند یا به شغل دست پیدا کنند، احساس نارضایتی داشتند. احساس غرور و افتخار به خود به دلیل انجام کاری که برخی از دانشجویان از عهده آن برنمی‌آیند و همچنین افتخار به خود به دلیل داشتن توانایی‌ها و مهارت‌های خاص، موجب ایجاد احساس خوشایند از سایه‌نویسی و نوشتن پایان‌نامه نزد برخی از مشارکت‌کنندگان شده است. الهام در این رابطه می‌گوید:

«پایان‌نامه نوشتن به کاره دشواره. واقعاً به مهارت و استعداد و راهنمای درست نیاز داره و اغلب دانشجویها بلد نیستن. من وقتی میشینم خیلی راحت و سریع پایان‌نامه می‌نویسم تو زمان کم، واقعاً به خودم افتخار می‌کنم. اینکه چقدر آدم توانمندی هستم و بهم حس خوبی میده.»

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان افزود:

«من وقتی به پایان‌نامه رو می‌نویسم و تموم میشه، به خودم ایمان میارم که بیکاری من و وضعیتی که دارم به‌خاطر عدم توانمندی من نیست. واقعاً به‌خاطر نبودن شایسته‌سالاری توی جامعه‌مونه و به خودم افتخار می‌کنم که این همه توانمند هستم.»

همان‌طور که اشاره شد، سایه‌نویسان از اینکه مشتریان‌شان به سهولت و بدون تحمل سختی‌ها و دشواری‌های پایان‌نامه‌نویسی به‌راحتی دفاع می‌کنند، احساس خوبی نداشتند.

حسین در رابطه با این موضوع می‌گوید:

«من خودم خیلی سختی و بدبختی کشیدم تا دفاع کردم. از ارشدم تا دکتری چند سال فقط برای پایان‌نامه رفتم. بعد الان دانشجوی میاد پول میده، خودشو راحت می‌کنه. واقعاً حسودیم میشه.»

بیشتر مشارکت‌کنندگان که از نظام آموزشی دل خوشی نداشتند و عامل اصلی وضعیت نامناسبشان را نظام ناکارآمد آموزشی عنوان می‌کردند با اشتیاق خواهان تشدید وضعیت موجود آموزشی بودند و سایه‌نویسی را راهبرد مناسبی برای عصیان علیه این نظام آموزشی ناکارآمد عنوان می‌کردند. لیلا در این رابطه می‌گوید:

«تنها راهی که من و امثال من که واقعاً لایق و توانمند هستن اینه که این نظام آموزشی منحل بشه و از نو پایه‌ریزی بشه و من با این کارم کمک می‌کنم فساد و انحراف هرروز بیشتر و بیشتر بشه تا وضعیت به بدترین شکل خودش برسه و خودش، خودشو نابود کنه.»

بیشتر سایه‌نویسان یکی از دلایل انتقام‌جویی‌شان از دانشگاه را ناکارآمدی نظام علمی و به‌ویژه کم‌سوادی استادان عنوان کرده بودند. از نظر آنها استادها اغلب بیشتر ب کم‌سواد یا مسامحه‌گر هستند. مهران در این رابطه می‌گوید:

«یه مشت استاد غیرحرفه‌ای و بی‌سواد شدن هیئت‌علمی و یه مشت دانشجوی بی‌سواد هرسال وارد دانشگاه میشن و دقیقاً باسوادا همه پشت در هستن؛ چون با سیستم همخوانی ندارن.»

از نظر مشارکت‌کنندگان فساد نه از جامعه، بلکه از خود دانشگاه و استادان شروع شده است. از نظر آنها انگیزه‌های مادی و ارتقا در میان اساتید باعث شده است تا توجه کمتری به دانشجویان کنند و دانشجویان بدون استاد راهنما یا بدون راهنمایی و بازخورد مناسب ازسوی آنها به حال خود رها شده‌اند. فریده نیز در نقد اساتید افزود:

توی دانشگاه‌ها خصوصاً پولی، اساتید راهنما خیلی حرفه‌ای نیستن و خیلی مواقع نمی‌تونن دانشجوی رو راهنمایی کنن و دانشجوی مجبور میشه کارش رو بده بیرون. من زیاد دیدم دانشجویهایی که بلد نیستن و استاد راهنما هم وقت نمی‌دازه کمک کنه و چاره‌ای ندارن جز اینکه بدن بیرون.»

¹ Paradoxical emotional experiences

پایان‌نامه‌نویسی باوجود ایجاد حس نخبگی در سایه‌نویسان به همان اندازه موجب ایجاد نارضایتی از کاری می‌شود که انجام می‌دهند. حسین در این رابطه می‌گوید:

«من هر وقت پایان‌نامه قبول می‌کنم و می‌نویسم، وقتی دارم انجام میدم، خیلی کیف می‌کنم که من چقدر بدم و راحت می‌تونم این کار زمان‌بر و دشوار رو انجام بدم و به خودم افتخار می‌کنم و حس خوب می‌گیرم؛ ولی به محض تمام شدنش و وقتی می‌خوام بدم به دانشجو خیلی لجم می‌گیره که اون تنبلی می‌کنه، بعد من باید جور بکشم و بعدم راحت دفاع کنه و بعد از کارم بدم میاد و خیلی احساس بدی پیدا می‌کنم.»

دانشگاه در چنبره فساد

دانشگاه در چنبره فساد بیانگر بستری است که پدیده پایان‌نامه‌نویسی در آن شکل می‌گیرد. پرواضح است که بدون چنین بستر و شرایطی امکان گسترش سایه‌نویسی و برون‌سپاری نگارش پایان‌نامه وجود ندارد. از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان بازار سیاه پایان‌نامه‌نویسی آن‌چنان گسترده شده است که امکان حذف آن وجود ندارد. این بازار به صورت هوشمندانه‌ای خود را با نیازهای متقاضیان منطبق کرده است و با ارائه انواع پیشنهادها جذاب، استفاده از شیوه‌های جدید بازاریابی، ارائه تخفیف، پرداخت چندمرحله‌ای و تخفیف‌های چشمگیر، آن‌ها را به برون‌سپاری پایان‌نامه ترویج و ترغیب می‌کند. فریده در رابطه با این موضوع می‌گوید:

«من مطمئن هستم یه باند پشت این قضیه هست؛ چون این قدر شرایط رو برای دانشجوها راحت کردن که همه راحت می‌تونن بدن بیرون. پول نوشتن رو کم می‌گیرن، بهشون تخفیف میدن، توی چند مرحله پولو می‌گیرن و این خودش خیلی شرایطو بدتر کرده و اجازه توقف این جریان رو نمیده؛ چون تقاضا هی بیشتر میشه.»

ویژگی دیگر «دانشگاه در چنبره فساد» از سیستم ضعیف ارزیابی است. بیشتر مشارکت‌کنندگان سایه‌نویس بیان داشتند که ارزیابی پایان‌نامه‌های دانشجویان به صورت عادلانه انجام

نمی‌شود و به همه در محدوده مشخصی نمره می‌دهند. همین امر یکی از دلایل دلسردی دانشجویان و هدایت آنها به سمت برون‌سپاری پایان‌نامه می‌شود. ارزیابی دقیق و منصفانه از جمله معیارهایی است که سبب تشویق دانشجویان و افزایش حس مسئولیت‌پذیری آنان می‌شود. زمانی که این موضوع خدشه‌دار می‌شود، دانشجویان نیز انگیزه و پشتکار خود را از دست می‌دهند. یکی از سایه‌نویسان مشارکت‌کننده در این رابطه می‌گوید:

«اغلب بچه‌ها در پایان‌نامه نمرات یکسانی می‌گیرن و این یکی از نارضایتی‌های خیلی زیاد دانشجوها به منه. دانشجوها اعتراض دارند که چرا به دانشجویی که ماه‌ها وقت صرف پایان‌نامه کرده و دانشجویی که زمان کمی گذاشته، نمره یکسان یا با فاصله بسیار کم داده میشه و همین امر باعث میشه اون‌ها هم برای دادن پایان‌نامه به بیرون ترغیب بشن.»

علاوه بر وجود بازار سیاه پایان‌نامه‌نویسی، عامل دیگری که به برون‌سپاری دامن می‌زند، نه فقدان نظارت و قوانین سفت‌وسخت، بلکه همراهی برخی از دانشگاه‌ها و اساتید با برون‌سپاری دانشجویان و نادیده‌انگاری تخلف آنها است. مناسک‌گرایی (آیین‌گرایی)^۱ و فرمالیسم در برگزاری جلسات دفاع از پایان‌نامه بخشی از این فرایند است. لیلا در رابطه با دانشگاه و نقش آن در سایه‌نویسی می‌گوید:

«از رفت‌وآمد و ارتباط دانشجو با راهنما هر استادی می‌تونه متوجه بشه که پایان‌نامه رو خود دانشجو نوشته یا نه؛ ولی الان می‌بینم خیلی راحت دانشجوها تو کل زمان پایان‌نامه‌نوشتن ۵ یا ۶ بار میان پیش راهنما یا کمتر و راحت دفاع می‌کنن و استاد و دانشگاه چیزی نمیگن. این قضیه خودش باعث بیشتر شدن برون‌سپاری شده؛ چون دانشجوها سال بالایی‌های خودشون رو مبینن که پایان‌نامه‌شون رو دادن بیرون و راحت دفاع کردن و رفتن.»

بحث و نتیجه

هدف از پژوهش بررسی دلایل و انگیزه‌های دانش‌آموختگان

دانشگاهی از سایه‌نویسی و نوشتن پایان‌نامه‌های دانشجویان بود؛ در این راستا با ۱۵ نفر از سایه‌نویسان مستقل و آزاد (بدون وابستگی به شرکت یا مؤسسه) مصاحبه شد که عمدتاً از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی بودند و از طریق نوشتن پایان‌نامه کسب درآمد می‌کردند. بیشتر این مشارکت‌کنندگان به‌تازگی فارغ‌التحصیل نشده بودند، بلکه حداقل سه تا هفت سال از زمان فارغ‌التحصیلی سپری شده بود؛ علاوه‌براین، عمده آنها از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی شناخته‌شده بودند. براساس اعتمادی که بین آنها و سفارش‌دهندگان وجود داشت، کارها انجام می‌شد. همه مصاحبه‌شوندگان به‌طور مستقل کار می‌کردند و به شرکت خاصی وابسته نبودند. نکته دیگر اینکه مشارکت‌کنندگان بعد از دفاع نیز از مشتریانشان حمایت کرده و برای انجام اصلاحات درخواستی داوران نیز به آنها کمک می‌کردند.

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها شش مضمون اصلی به دست آمد که هریک بیانگر انگیزه‌ها یا بستری بود که در آن پایان‌نامه‌نویسی صورت می‌گیرد: «تقلا برای بقا»، «سرخوردگی تمام‌عیار»، «دانشگاه در چنبره فساد»، «عصیان علیه نظام دانشگاهی»، «تجربه احساسی پارادوکسیکال»، «تصور از سایه‌نویسی». همان‌طور که سایر پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند، اولین انگیزه برای گرایش به پایان‌نامه‌نویسی توسط دانش‌آموختگان دانشگاهی، که در ذیل مضمون «تقلا برای بقا» ذکر شده است، پول و کسب درآمد و استقلال مالی است. فشارهای مالی و ناتوانی از کسب درآمد می‌تواند افراد را به سمت انتخاب‌هایی سوق دهد که ممکن است از نظر اخلاقی توجیه‌پذیر نباشد، ولی از نظر مادی برایشان جذاب باشد؛ برای مثال تومار (2016) بیان می‌کند که «با نوشتن ۵۰۰۰ صفحه به‌اندازه استخدام درآمد داشتم». همسو با پژوهش‌های (Shahghasemi & Akhavan, 2015; Sivasubramaniam & Ramachandran, 2015; Sivasubramaniam et al., 2016) بیشتر مشارکت‌کنندگان فقدان فرصت‌های شغلی را به‌عنوان انگیزه

اصلی تبدیل‌شدن به سایه‌نویس عنوان کرده بودند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های اعمال‌شده در چند دهه گذشته و گسترش بی‌ضابطه آموزش عالی بدون توجه به تقاضاهای اقتصادی (و صرف توجه به منطق اجتماعی) تبعات به‌شدت منفی را به دنبال داشته است که یکی از آنها بیکاری گسترده دانش‌آموختگان دانشگاهی است؛ در این راستا آمارها نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۱، نرخ بیکاری دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی (۱۱.۸ درصد) از نرخ بیکاری کل کشور در سال ۱۴۰۲ (۸.۱ درصد) بالاتر بوده است. بیکاری و فشارهای اقتصادی در کنار سرخوردگی‌های شدید اجتماعی، فرسایش روحی و روانی، بلا تکلیفی و به‌ویژه نداشتن تصور مثبت از آینده یکی از عواملی است که می‌تواند گرایش دانش‌آموختگان به پایان‌نامه‌نویسی را تبیین کند. البته در تبیین گسترش این پدیده، تنها عوامل سطح خرد دخیل نیستند، بلکه عوامل دیگری نظیر بازار سیاه پایان‌نامه‌نویسی یا به تعبیری مافیای پایان‌نامه‌نویسی را نباید از نظر دور داشت. بازاری که به نظر می‌رسد گردش مالی بالایی دارد و به استمرار این چرخه کمک می‌کند. یکی از دلایل شکل‌گیری چنین بازاری، تحولات صورت‌گرفته در نظام آموزش عالی نظیر توده‌ای شدن آموزش عالی، پدید آمدن قارچ‌گونه انواع مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، خصوصی و به تعبیری پولی شدن و خصوصی شدن آموزش عالی است. این مؤسسات که عمدتاً با اهداف اقتصادی و کسب درآمد شکل گرفته‌اند، برای بقای خود حاضرند همه‌چیز حتی علم را فدا کنند؛ بنابراین، نه تنها ملاک‌های سهل‌گیرانه برای پذیرش دانشجویان دارند، بلکه در فارغ‌التحصیل شدن آنها هم سخت‌گیری چندانی ندارند؛ زیرا به‌واسطه شکل‌گیری خط تولید دانش‌آموختگان دانشگاهی، دانشجویان جدید باید به‌سرعت جایگزین دانشجویان قبلی شوند؛ از این‌رو در چنین ساختاری نه تنها پایان‌نامه جایگاه محوری ندارد، بلکه جلسات دفاع از پایان‌نامه نیز بیشتر به اجرای مناسب تکراری و گاه مشمئزکننده تقلیل می‌یابند. این

جلسات بیشتر به سراب علمی شبیه می‌شوند تا آیین گذار جدی برای تربیت نسل جدید پژوهشگران و اندیشمندان. در بسیاری از موارد صحنه نمایش علم در ایران بیش از آنکه یک کنش عمیق و جدی در کنشگران آن باشد، یک بازی و نمایش تهی و میان‌مایه است که نه بازیگر به عظمت و اهمیت آن اعتقادی دارد و نه کارگردان و نه مخاطب (رحمانی، ۱۴۰۱). بدتر و فاجعه‌آمیزتر از همه همراهی نظام دانشگاهی و اساتید با برون‌سپاری و سایه‌نویسی، حتی توصیه به آن یا نادیده‌انگاشتن در صورت تشخیص است.

یکی دیگر از انگیزه‌های سایه‌نویسی تلاش برای انتقام‌جویی و ایجاد اختلال و ضربه‌زدن به نظام آموزشی بود. انتقام‌جویی این دسته از سایه‌نویسان از احساسات منفی مانند خشم، حسادت، نارضایتی یا ناامیدی از اصلاح نظام آموزشی ناشی می‌شود. دانش‌آموختگانی که احساس می‌کنند مورد بی‌توجهی یا بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند و به تعبیری از دانشگاه ضربه خورده‌اند، ممکن است برای جبران آن وارد بازار سیاه پایان‌نامه‌نویسی و سایه‌نویسی شوند و بخواهند با این کار انتقام خود را از دانشگاه و اساتید بگیرند.

علاوه‌براین، سایه‌نویسان هرچند سایه‌نویسی و نوشتن پایان‌نامه برای دیگران را امری مذموم و غیراخلاقی (کلاه‌برداری و تقلب) تصور می‌کردند، با این حال تمایلی به فاش شدن هویت خود نداشتند و از طریق اسم مستعار، هویت جعلی و اینترنت مرادوات خود را انجام می‌دادند. این موضوع بیانگر نوعی پارادوکس در ذهن و عمل مشارکت‌کنندگان است. به‌طور کلی، همسو با پژوهش سورینا و آناند (2022) برای برخی از مشارکت‌کنندگان، سایه‌نویسی فرصتی برای یادگیری و رشد شخصی بود. برخی دیگر سایه‌نویسی را به‌نوعی کمک به دانشجویانی تصور می‌کردند که به دلایلی حمایت و بازخورد لازم را از سوی اساتیدشان دریافت نمی‌کردند یا دانشجویانی بودند که فرصت لازم برای انجام کارهای پایان‌نامه را به دلیل مسئولیت‌ها یا مشغله‌های مختلف

نداشتند (Thacker, 2024). سرانجام گروه دیگر، برای خود وظیفه و رسالتی از پایان‌نامه‌نویسی تعریف کرده بودند. این تصورات از سایه‌نویسی به‌عنوان مکانیسم خنثی‌سازی به مشارکت‌کنندگان کمک می‌کند تا بتوانند سایه‌نویسی را برای خود توجیه کنند و از عذاب وجدان و احساس شرم خود بکاهند. همسو با پژوهش سورینا و آناند (2022) برخی از مشارکت‌کنندگان احساس غرور و رضایت و احساس قدرت به‌واسطه برخورداری از دانش تخصصی یا به تعبیر والکر (2019) «سرمایه تخصصی»^۱ و حس نخبگی داشتند؛ اما از طرف دیگر به‌واسطه اینکه با نوشتن پایان‌نامه مشتریانشان بدون زحمت فارغ‌التحصیل می‌شوند، احساس نارضایتی و خشم داشتند. برای سایه‌نویسان، پایان‌نامه به کالایی تقلیل می‌یابد که باید برای بازار و طبق نیازهای مشتریان تولید شود؛ ولی این محصول تأثیری بر ارتقای شخصیتی و هویت شغلی آنها ندارد؛ اما ممکن است افرادی را از موقعیت‌های پایین به موقعیت‌های بالا ارتقا دهد؛ برای مثال دانشجویی فارغ‌التحصیل شود یا فردی مدرکی بگیرد که به‌واسطه آن ارتقای شغلی بگیرد یا شغل جدیدی پیدا کند (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۸۷-۱۸۳).

درنهایت به نظر می‌رسد دلایل استمرار و گسترش این پدیده را می‌توان در کارکردهای پایان‌نامه به‌مثابه یک کالا جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد برون‌سپاری پایان‌نامه نوعی بازی برد-برد است و منافع متقابلی برای همه ذی‌نفعان درگیر در آن دارد. نخست اینکه سفارش‌دهندگان به‌واسطه تلقی تربیتی و بی‌فایده‌بودن پایان‌نامه (همتی، زودآیند) با پرداخت هزینه به‌صورت میانبر به هدفشان نائل می‌شوند که دفاع از پایان‌نامه و فارغ‌التحصیل شدن است، بدون اینکه دردها و استرس‌های نوشتن پایان‌نامه را به جان بخرند. سایه‌نویسان نیز از این طریق به درآمدی ولو ناپایدار دست پیدا می‌کنند و تلاش می‌کنند در شرایط سردرگمی فزاینده و فشارهای روحی و روانی، امورات خود را به امید آینده و پیداکردن شغل مناسب بگذرانند. اساتید نیز می‌توانند از منافع مادی و معنوی

¹ Professional capital

پایان‌نامه بهره‌مند شوند و ارتقای خود را تضمین کنند. دانشگاه‌های درگیر نیز به‌مثابه بنگاه و کسب‌وکاری اقتصادی می‌توانند با جلب رضایت مشتریان خود به بقای خود اطمینان داشته باشند. در اینجا رضایت نه به معنای ارائه محصولات باکیفیت بلکه توجه به نگرانی‌های مشتریان برای گرفتن آسان‌تر مدرک، عدم سخت‌گیری در نمره‌ها، غیبت کلاسی و نظایر آن است. سرانجام بازار سیاه پایان‌نامه‌نویسی است که از این شرایط سوءاستفاده می‌کند و با انواع آپاراتوس‌ها سعی می‌کند مشتریان را به برون‌سپاری و سایه‌نویسان را به نوشتن پایان‌نامه ترغیب کند.

پیشنهادها

به‌طور کلی جلوگیری از سایه‌نویسی به‌ویژه پایان‌نامه‌نویسی در مقایسه با سایر بی‌اخلاقی و عدم صداقت علمی دشوارتر است؛ زیرا امکان شناسایی آنها با روش‌های مرسوم ممکن نیست؛ بنابراین، این پیشنهادها با این فرض ارائه می‌شود که امکان از بین بردن فرصت شرکت در سایه‌نویسی دشوار است، اما می‌توان با انجام اقداماتی میزان عرضه را کاهش داد. البته پرواضح است که سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه نیازمند توجه توأمان به بسترهای بازتولیدکننده این پدیده و کاهش تقاضا نیز است. ازجمله این پیشنهادهای کاربردی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تلاش در راستای جهت‌دهی و سوق‌دادن پایان‌نامه‌ها در راستای حل مسائل و معضلات اجتماعی با هدف تغییر تصورات و پنداشت‌های دانشجویان از پایان‌نامه‌نویسی به‌عنوان امری زائد و بی‌فایده؛
- بازتعریف کارکرد جلسات دفاع از پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و جلوگیری از مناسک‌گرایی‌های زائد؛
- اصلاح آیین‌نامه‌های مربوط به شیوه راهنمایی پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی به‌منظور اطمینان از انجام صحیح وظایف اساتید راهنما و دانشجویان در فرایند تدوین

پایان‌نامه؛

- توجه هرچه بیشتر دانشگاه‌ها به موضوع پایان‌نامه‌نویسی و ایجاد سازوکار جدی و عملیاتی برای تسهیل هرچه بیشتر ارتباطات و تعاملات بین اساتید راهنما و دانشجویان و نظارت بر روند اجرایی آن؛

- نظارت بر تعداد پایان‌نامه‌ها با راهنمایی اساتید و جلوگیری از تخصیص بیش‌ازحد دانشجویان به اساتید به‌منظور حفظ استانداردهای پژوهشی و دادن فرصت کافی به اساتید برای برقراری تعامل و ارتباطات سازنده با دانشجویان در سرپرستی آنها.

- تعریف و در دسترس قرارگرفتن افشاگری (سوت‌زنی) و تشویق مناسب افشاکنندگان در صورت اثبات وقوع سایه‌نویسی در مراجع ذی‌ربط؛

- تهیه سازوکار لازم برای جایگزینی سبک راهنمای تک‌نفره با سبک‌های راهنمایی‌های گروهی و جمعی و استفاده از مدل‌های هدایت تیمی؛

- آموزش اخلاق و ترویج فرهنگ صداقت علمی، آموزش مهارت‌های پژوهش از ابتدای ورود دانشجویان به تحصیلات تکمیلی؛

- تقویت فرهنگ پژوهش و نگارش علمی اصیل، اعمال مجازات انتظامی، اخراج، محرومیت از تحصیل، تعلیق یا ابطال پایان‌نامه یا مدرک تحصیلی دانشجویان متخلف.

در طرف عرضه و در رابطه با سایه‌نویسان از آنجایی که مسئله بیکاری و فقدان فرصت‌های شغلی یکی از دلایل مهمی است که دانش‌آموختگان را به سمت سایه‌نویسی و نوشتن پایان‌نامه برای دیگران می‌کشاند، در اینجا چند پیشنهاد ارائه می‌شود:

- تقویت برنامه‌های کارآموزی و فرصت‌های شغلی در حین تحصیل؛
- توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی؛
- پشتیبانی از پروژه‌های پژوهشی و همکاری با صنعت؛

- ایجاد سیستم‌های مشاوره شغلی؛
- توسعه مشاغل آزاد و کار از راه دور به واسطه پیشرفت فناوری و فضای دیجیتال؛
- تقویت ارتباطات میان دانشگاه‌ها و صنایع، حمایت‌های مالی و تسهیلات برای دانش‌آموختگان جویای کار.

همچون سایر پژوهش‌های کیفی که تجارب سایه‌نویسان را از نگارش پایان‌نامه بررسی می‌کنند، این پژوهش نیز با محدودیت‌های خاصی مواجه است که عمدتاً ناشی از ماهیت پنهانی این فعالیت، حساسیت‌های اخلاقی و چالش‌های ذاتی روش‌های کیفی است. سایه‌نویسان به دلیل غیرقانونی یا غیراخلاقی بودن فعالیتشان معمولاً تمایلی به افشای هویت یا جزئیات کار خود ندارند. این امر نمونه‌گیری را به روش‌های غیرصادفی (مانند گلوله‌برفی) محدود می‌کند که ممکن است به سوگیری در داده‌ها بینجامد. حتی در صورت مشارکت، مصاحبه‌شوندگان ممکن است اطلاعات نادرست ارائه دهند یا از بیان جزئیات حساس خودداری کنند تا از پیامدهای حقوقی یا اجتماعی در امان بمانند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی توجه بسیار ویژه‌ای به موضوع جلب اعتماد سایه‌نویسان داشته باشند. نکته دیگر به محدودیت‌های روش‌شناختی مربوط است؛ زیرا نمی‌توان ادعاهای مشارکت‌کنندگان (مانند تعداد پایان‌نامه‌های نوشته‌شده یا انگیزه‌های مالی و غیرمالی) را با شواهد عینی تأیید کرد. ضمن اینکه به دلیل دشواری در دسترسی به سایه‌نویسان ما ملاک خاصی برای ورود یا خروج نمونه‌ها نداشتیم؛ بنابراین، برای مثال امکان تمایز بین سایه‌نویسان حرفه‌ای با غیرحرفه‌ای (نظیر دانشجویان نیازمند) میسر نبود. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود در صورت دسترسی به نمونه‌های کافی، بین این دو گروه تمایز قائل شوند؛ زیرا به نظر می‌رسد که تفاوت عمده‌ای در تجارب این دو دسته از سایه‌نویسان وجود دارد. همچنین برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که از روش‌های دیگری

نظیر روش‌های ترکیبی^۱ یا سایر روش‌های کیفی نظیر روش‌هایی نتوگرافی^۲ به‌ویژه برای سایه‌نویسانی که در عرصه شبکه‌های اجتماعی و فضای ارتباطات اینترنتی فعالیت می‌کنند، برای بررسی لایه‌های عمیق‌تر این پدیده استفاده کنند.

منابع فارسی

- رحمانی، ج. (۱۴۰۱). سراب جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها تأملی بر فرهنگ دانشگاهی ایران از خلال جلسات دفاع. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، ۲۹(۲)، ۱۴۹-۱۶۲. [10.22059/jsr.2023.91906](https://doi.org/10.22059/jsr.2023.91906)
- رسولی، ب.، نبی‌مبیدی، م.، مختاری، ح.، نبوی، م.، نظری، م.، و علیدوستی، س. (۱۳۹۹). مفهوم‌سازی سایه‌نویسی: نگاهی به بدرفتاری‌های علمی در بافت آموزش عالی ایران. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۵۴(۴)، ۳۸-۱۳. [10.22059/jlib.2021.313753.1532](https://doi.org/10.22059/jlib.2021.313753.1532)
- صالح‌آبادی ز، سیدزاده‌ثانی، م.، و جعفری بجنوردی، ع. ج. (۱۴۰۱). بازشناسی سایه‌نویسی از سرقت علمی: مفهوم؛ انواع و رویکرد قانون. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۲(۱)، ۵۹-۷۵. <https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1090617.pdf>
- کاظمی، ع.، و اصغری، ز. (۱۳۹۸). نگاهی به پدیده پایان‌نامه‌نویسی در ایران: سیاست‌گذاری‌ها و زمینه‌های امکان. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۵(۴)، ۱-۲۲. https://journal.irphe.ac.ir/article_702985.html
- کاظمی، ع. (۱۳۹۷). *دانشگاه: از نردبان تا سایبان*. پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- نپ، ج. س.، و هولبرت، آ. م. (۱۳۹۸). *سایه‌نویسی و اخلاق/صالت* (احسان شاه‌قاسمی، مترجم؛ چ اول). جهاد دانشگاهی. (اثر اصلی در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است).

¹ Mixed method

² Netography

- Crane, L. (n.d.). *Plagiarism, cheating, and getting ahead*. TESOL International Association. [https://www.tesol.org/read-and-publish/journals/other-serial-publications/compleat-links/compleat-links-volume-4-issue-1-\(march-2007\)/plagiarism-cheating-and-getting-ahead](https://www.tesol.org/read-and-publish/journals/other-serial-publications/compleat-links/compleat-links-volume-4-issue-1-(march-2007)/plagiarism-cheating-and-getting-ahead)
- Curtis, G. J., Clare, J., Rundle, K., Eaton, S. E., Stoesz, B. M., & Seeland, J. (2022). *Contract cheating: An introduction to the problem*. In contract cheating in higher education (pp. 1-13). Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-12680-2_1
- Diksha, J., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- DiPietro, M. (2010). Theoretical frameworks for academic dishonesty: A comparative review. *To Improve the Academy*, 28(1), 250-262. <https://doi.org/10.3998/tia.17063888.0028.018>
- Eaton, S. E. (2021). *Plagiarism in higher education: Tackling tough to picsin academic integrity*. Libraries Unlimited.
- Enders, J. (2004). Higher education, internationalization, and the nation-state: Recent developments and challenges to governance theory. *Higher Education*, 47, 361-382. <https://doi.org/10.1023/B:HIGH.0000016461.98676.30>
- Erguvan, I. D. (2022). University students' understanding of contract cheating: A qualitative case study in Kuwait. *Language Testing in Asia*, 12, 56. <https://doi.org/10.1186/s40468-022-00208-y>
- Fletcher, J. (1966). *Situational ethics*. Westminster Press.
- Hemmati, R. (2023). Developments in Iranian higher education and their implications for doctoral education. *Innovations in Education and Teaching International*, 60(5), 688-702. <https://doi.org/10.1080/14703297.2023.2237951>
- Kaktiņš, L. (2018). Contract cheating advertisements: What they tell us about international students' attitudes to academic integrity. *Ethics and Education*, 13(2), 268-284. <https://doi.org/10.1080/17449642.2017.1412178>
- Kazemi, A. (2018). *University, from ladder to canopy*. Institute for Social and Cultural Studies [In Persian].
- Kazemi, A., & Asghri, Z. (2020). A look at phenomenon of dissertation ghost writing in Iran: Policies and the condition of possibility. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24(4), 1-22. [In Persian] https://journal.irphe.ac.ir/article_702985_0dfc79c99555d3fa4143d180822f2ea2.pdf
- Knapp, J. C., & Hulbert, A. M. (2016). *Ghostwriting and the ethics of authenticity* (E. Shah-Ghasemi, Trans.). Jihad Daneshgahi. [In Persian].
- Lancaster, T. (2019). Profiling the international academic ghost writers who are providing low-cost
- نعمتی، م. ع. و محسنی، ه. س. (۱۳۸۹). اخلاق در آموزش عالی؛ مؤلفه‌ها، الزامات و راهبردها. *پژوهشنامه*، ۶۳، ۹-۴۶.

References

- Ahsan, K., Akbar, S., & Kam, B. (2022). Contract cheating in higher education: A systematic literature review and future research agenda. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 47(4), 523-539. <https://doi.org/10.1080/02602938.2021.1931660>
- Ajzen, I., & Fishbein, M. (1969). The prediction of behavior intentions in a choice situation. *Journal of Experimental Psychology*, 5(4), 400-416. [https://doi.org/10.1016/0022-1031\(69\)90033-](https://doi.org/10.1016/0022-1031(69)90033-)
- Ali, H. I. H., & Alhassan, A. (2021). Fighting contract cheating and ghostwriting in higher education: Moving towards a multidimensional approach. *Cogent Education*, 8(1), 1885837. <https://doi.org/10.1080/2331186X.2021.1885837>
- Ataei-Ashtiani, B. (2016). Curbing Iran's academic misconduct. *Science*, 351(6279), 1273-1274. <https://doi.org/10.1126/science.351.6279.1273-c>
- Bandura, A. (1963). *Social learning and personality development*. New York: Holt, Rinehart, and Winston.
- Braun, V., & Clarke, V. (2012). Thematic analysis. In H. Cooper, P. M. Camic, D. L. Long, A. T. Panter, D. Rindskopf, & K. J. Sher (Eds.), *APA Handbook of research methods in psychology, Vol. 2. Research designs: Quantitative, qualitative, neuropsychological, and biological* (pp. 57-71). American Psychological Association.
- Bretag, T., Harper, R., Burton, M., Ellis, C., Newton, P., Rozenberg, P., Saddiqui, S., & van Haeringen, K. (2019a). Contract cheating: A survey of Australian University students. *Studies in Higher Education*, 44(11), 1837-1856. <https://doi.org/10.1080/03075079.2018.1462788>
- Bretag, T., Harper, R., Rundle, K., Newton, P. M., Ellis, C., Saddiqui, S., & van Haeringen, K. (2020). Contract cheating in Australian higher education: A comparison of non-university higher education providers and Universities. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 45(1), 125-139. <https://doi.org/10.1080/02602938.2019.1614146>
- Clarke, R., & Lancaster, T. (2007). *Assessing contract cheating through auction sites—a computing perspective*. HE Academy for Information and Computer Sciences <http://www.ics.heacademy.ac.uk/events/8th-annual-onf/PapersThomas%20Lancaster%20final.pdf>
- Cornish, D., & Clarke, R. (1986). *The reasoning criminal: Rational choice perspectives on offending*. Springer-Verlag.



- Robson, S., & Wihlborg, M. (2019). Internationalisation of higher education: Impacts, challenges and future possibilities. *European Educational Research Journal*, 18(2), 127-134. <https://doi.org/10.1177/1474904119834779>
- Salehabadi, Z., Seidzadeh-Sani, M., & Javanjafari-Bojnordi, A. (2022). Recognizing ghostwriting from plagiarism: Concept, types and legal approach. *Library and Information Science Research*, 12(1), 59-75. [In Persian]. https://infosci.um.ac.ir/article_42501.html?lang=en
- Shahghasemi, E., & Akhavan, M. (2015). Confessions of academic ghost authors: The Iranian experience. *Sage Open*, 5(1), 1-7. <https://doi.org/10.1177/1474904119834779>
- Sivasubramaniam, S. D., & Sharavan, R. (2015). A new breed of ghost writers: Exploring the threat to the academic community via iinternationalisation and social media. *Conference Proceedings; Plagiarism Across Europe and Beyond* (Full paper) June 10-12, 110-119. https://academicintegrity.eu/conference/wpcontent/files/presentation15/Shiva_Ghost_Writers_2015.pdf
- Sivasubramaniam, S., Kostelidou, K., & Ramachandran, S. (2016). A close encounter with ghost-writers: An initial exploration study on background, strategies and attitudes of independent essay providers. *International Journal for Educational Integrity*, 12(1), 1. <https://doi.org/10.1007/s40979-016-0007-9>
- Svirina, A., & Anand, A. (2022). Dubious or decisive? Digging deeper into the uncharted path of academic ghostwriting. *Journal of Organizational Change Management*, 35(1), 38-58. <https://doi.org/10.1108/JOCM-12-2020-0398>
- Sykes, G. M., & Matza, D. (1957). Techniques of neutralization: A theory of delinquency. *American Sociological Review*, 22(6), 664-670. <https://doi.org/10.2307/2089195>
- Takrimi, A., Khojastehmehr, R., & Eaton, S. E. (2023). Contract cheating in Iran: An overview of key issues and a call to action. *Journal of Academic Ethics*, 21, 323-341. <https://doi.org/10.1007/s10805-022-09458-0>
- Thacker, E. J. (2024). *Writing the self: Ghostwriter perspectives and identity construction*. In S.E. Eaton, (Eds.), *Second Handbook of Academic Integrity* (pp. 713-727). Springer International Handbooks of Education. Springer, Cham. http://dx.doi.org/10.1007/978-3-031-54144-5_113
- Tomar, D. (2016). *Detecting and deterring ghostwritten papers: A guide to best practices*. Retrieved from: <https://dawsonite.dawsoncollege.qc.ca/2014/11>
- Varij-Kazemi, A., & Asghri, Z. (2020). A look at phenomenon of dissertation ghost writing in Iran: Policies and the condition of possibility. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher* essays and assignments for the contract cheating industry. *Journal of Information, Communication and Ethics in Society*, 17(1), 72-86. <https://doi.org/10.1108/JICES-04-2018-0040>
- Lancaster, T. (2024). *Contract cheating: Practical considerations*. In S.E. Eaton (Eds.), *Second Handbook of Academic Integrity* (pp. 799-811). Springer International Handbooks of Education. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-54144-5_191
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage
- Miles, B. W. (2008). *Recruitment in qualitative research with hard-to-reach youth: Experiences and issues taken from multiple studies with homeless youth*. Paper Presented at the Society for Social Work and Research, Research That Matters (January 17 - 20, 2008), Washington, DC, January. <https://sswr.confex.com/sswr/2008/techprogram/P7955.HTM>
- Mtshweni, B. (2024). A theoretical review of contract cheating in master's and doctoral studies: Some global trends and perspectives. *South African Journal of Higher Education*, 38(6), 119-137. <https://doi.org/10.20853/38-6-5942>
- Nemati, M. A., & Mohseni, H. S. (2010). Ethics in higher education; Components, requirements and strategies. *Journal of Research*, 63, 9-46. [In Persian].
- Newton, P. M. (2018). How common is commercial contract cheating in higher education and is it increasing? A systematic review. In *Frontiers in Education*, 3, 67. <https://doi.org/10.3389/feduc.2018.00067>
- Pacino, A. (2021). An investigation into contract cheating in tertiary education, and how to combat the problem in a United Arab Emirates context. *Middle Eastern Journal of Research in Education and Social Sciences*, 2(4), 120-135. <https://doi.org/10.47631/mejress.v2i4.344>
- Rahmani, J. (2023). The mirage of theses defense sessions: A reflection on Iran's academic culture through defense meetings. *Sociological Review*, 2(29), 149-162. [In Persian]. https://jsr.ut.ac.ir/article_91906.html?lang=en
- Rasuli, B., Nabi-Meybodi, M., Mokhtari, H., Nabavi, M., Nazari, M., & Alidousti, S. (2021). Ghostwriting concept: the study of academic miscundot in Iranian higher education context. *Academic Librarianship and Information Research*, 54(4), 13-38. [In Persian]. https://jlib.ut.ac.ir/article_82190.html?lang=en
- Rigby, D., Burton, M., Balcombe, K., Bateman, I., & Mulatu, A. (2015). Contract cheating & the market in essays. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 111, 23-37. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2014.12.019>

- Education*, 25(4), 1-22. [In Persian].
https://journal.irphe.ac.ir/article_702985.html?lang=en
- Walker, C. (2019). *The white-collar hustle: Academic writing and the Kenyan digital labour economy* [PhD thesis, University of Oxford].
<https://ora.ox.ac.uk/objects/uuid:35c57129-11eb-4fad-a91f-65b2f3849b7a>
- Williamson, M. (2019). Contract cheating and academic integrity in higher education: What can universities, governments and quality assurance agencies do to understand, prevent and respond to the challenge? *Kuwait International Law School Journal, Special Supplement*, 4(1), 219-274.
 Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3621713>
- Zheng, S., & Cheng, J. (2015). Academic ghostwriting and international students. *Young Scholars in Writing*, 12, 124-133. Retrieved from
https://repository.usfca.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1000&context=rl_stu
- Zimring, F. E., & Hawkins, G. J. (1973). *Deterrence: The legal threat in crime control*. University of Chicago Press.